

# ایران نوشته

- دانلود نمونه سوالات امتحانی

- دانلود گام به گام

- دانلود آزمون گام به گام و چینی و سنجش

- دانلود فیلم و مقاله انگلیزی

- کنکور و مشاوره

 IranTooshe.ir

 @irantooshe

 IranTooshe



# بسم الله الرحمن الرحيم

## ترجمه و حل تمرینات عربی یازدهم رشته انسانی

### الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

#### پند و اندرزهای ارزشمند

پدران و مادران دوست دارند فرزندانشان را در بهترین شکل (حالت) ببینند ، و بنابراین همیشه آنها را به صفات خوب و کارهای شایسته راهنمایی می کنند ، مانند اخلاق نیک و یادگیری دانش ها و مهارت ها و هنرهای سودمند و دوری از فرومایگان و نزدیکی به شایستگان و توجه به ورزش و مطالعه ی کتابها و احترام به قانون و صرفه جوئی در مصرف آب و برق و خوب غذاخوردن و صفات و کارهای دیگر...

و در قرآن کریم ، لقمان حکیم را می بینیم که به پسرش نصائح ارزشمندی تقدیم می کند (پیش می فرستد) و این یک الگوی پرورشی است تا به وسیله ی آن (پدران) ، همه ی جوانان هدایت شوند ... و در قرآن کریم آمده است:

پسرک من ! نماز را برپای دار و امر به معروف کن (به کار خوب و اداری) و از کار زشت بازدار (نهی کن) و بر آنچه که (از مصیبت) به تو رسیده ، شکیبیا باش (بر آسیبی که به تو رسیده است ، صبر کن) که آن از کارهای مهم است و از مردم (به غرور) روی برنگردان


(رخ بر متاب) و در زمین با ناز و خودپسندی راه مرو که خداوند هر (هیچ) متکبر بر فخرفروشی (لاف زن) را دوست نمی دارد و در راه رفتن خود ، میانه روی کن و از صدایت بکاه (صدایت را پایین بیاور) مسلماً زشت ترین صداها ، صدای خران است.

خداوند کسی را که وقت نماز را حفظ می کند (کسی را که مراقب نماز او و وقتش می باشد) ، دوست دارد ، و پیامبر (ص) فرموده است:



"مسلماً نماز ستون دین است"



و ما باید مشتاق و آرزومند کارهای نیک و بازدارنده ی کار زشت و بر سختی ها و مشکلات شکیبیا باشیم ؛ و بر راستی آنها زکارهای مهم (پراهمیت) است . و ما باید در برابر اساتیدمان و دوستانمان و همکارانمان و همسایگانمان و خویشاوندانمان و هر کسی که پیامون ماست ، تواضع و فروتنی کنیم ؛ و امام کاظم (ع) فرموده است:



"پند و حکمت در قلب (انسان) متواضع و فروتن ماندگار می شود و در دل (انسان) مغرور ستم پیشه ماندگار نمی شود " . مسلماً خداوند هر (هیچ) خودپسندی را دوست ندارد . بنابراین ما نباید به دیگران تکبر بورزیم ؛ و مسلماً خداوند متکبر بران را دوست ندارد و ما نباید صداهايمان را بالاتر از صدای مخاطب (طرف مقابل) بلند کنیم ؛ و خداوند لحن سخن کسی را که صدایش را بدون دلیل منطقی بالا می برد ، به صدای الاغ تشبیه کرده است



ارسالی خانم رحیمی 



♦ عَيْنَ الصَّحِيحِ وَ الخَطَأُ حَسَبَ الدَّرْسِ .

1  يَجِبُ أَنْ لَا نَرْفَعُ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ مَنْ نَتَكَلَّمُ مَعَهُ  
♦ نباید صداهايمان را بالاتر از صدای کسی که با او سخن می گوئيم  
(مخاطب) بالا ببريم 

2  عَلَيْنَا أَنْ نُحَافِظَ عَلَىٰ آدَاءِ الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا  
♦ بر ما لازم است که (ما باید) حافظ انجام نماز در (اول) وقتش  
باشيم (نماز سروقت را محافظت کنیم) 


3  قَدَّمَ لِقَمَانَ الحَكِيمِ لِإِنِّهِ مَوَاعِظُ قِيَمَةٍ  
♦ لقمان حکيم به پسرش پندهای ارزشمندی تقديم کرد (پيش فرستاد)  


4  لَا تَعْمُرُ الحِكْمَةَ فِي قَلْبِ المُتَوَاضِعِ  
♦ پند و اندرز در قلب فروتن و متواضع ماندگار نمی شود 

5  الإِعْجَابُ بِالنَّفْسِ عَمَلٌ مَقْبُولٌ  
♦ خودپسندی کار مورد قبولی (پذيرش) هست 

ارسالي خانم رسولي 

♦ ترجم الاحاديث التالية، ثمَّ صَغ خطأ تحت اسم التفضيل:

1  أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ:

♦ ترجمه: داناترين مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید.

▲ أَعْلَمُ: اسم تفضيل (داناترين)

2  أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ:

♦ ترجمه: محبوبترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترینشان نسبت به بندگانش است

▲ أَحَبُّ: اسم تفضيل (محبوبترین)

▲ أَنْفَعُ: اسم تفضيل (سودمندترین)

3  أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ:

توشه ای برای موفقیت

♦ ترجمه: بهترین کارها کسب حلال است

▲ أَفْضَلُ: اسم تفضيل (بهترین)

#الدرس\_الاول  
#عربي\_مشترك\_يازدهم  
#اختبرنفسك۲

ارسالی خانم رسولی 

♦ ترجم العبارات التالية :

1 ... رَبَّنَا آمِنًا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ :  
ترجمه : پروردگارا ایمان آوردیم بر ما ببخشای و به ما رحم کن و تو بهترین رحم کنندگان هستی .

2 قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ :  
ترجمه: بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم از شر آنچه آفرید

3 لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ :  
ترجمه : شب قدر بهتر از هزار ماه است

4 شَرُّ النَّاسِ ذَوَالْوَجْهِينَ :  
ترجمه : بدترین مردم دورویان هستند

5 خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدَى إِلَيْكُمْ عَيْبَاتِكُمْ :  
ترجمه : بهترین برادران (یاران) شما کسی است که عیبهایتان را به شما هدیه کند

توشه ای برای موفقیت  
6 مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ :  
ترجمه : هر کس که شهوت او بر عقلش غلبه نماید او از حیوانات بدتر است

الدرس الاول  
#عربي\_مشارك\_يازدهم  
#اختبرنفسك۳

ارسالي خانم رسولي ♻️

♦ ترجم الآیة و العبارة ثم عین اسم التفضیل :

1 وجادلهم بالتي هي أحسن ، إن ربك هو أعلم بمن ضل عن سبيله :

♦ ترجمه :

▲ و با آنها به روشي که نیکوتر است مجادله (ستیز) کن پروردگارت به [حال]  
کسی که از راهش منحرف شده داناتر است

▲ أحسن : اسم تفضیل ➡ نیکوتر ، خوبتر

▲ أعلم : اسم تفضیل ➡ داناتر

2 كانث مكتبة جندی سابور في خوزستان أكبر مكتبة في العالم القديم :

♦ ترجمه :

▲ كتابخانه جندی شاپور در خوزستان بزرگترین كتابخانه در جهان قدیم بود.

▲ مكتبة : اسم مكان ➡ كتابخانه

▲ أكبر : اسم تفضیل ➡ بزرگترین

20:39

ایران تونش

توشه ای برای موفقیت

(در بازار مشهد)

زائر عرب	لباس فروش
سلام علیکم ( درود بر شما )	علیکم السلام ( درود بر شما ) ، خوش آمدید .
قیمت این پیراهن مردانه چقدر هست ؟	شصت هزار تومان .
ارزانتتر از این میخواهم . این قیمت ها گران(بالا) است .	قیمت پنجاه هزار تومان داریم . بفرما نگاه کن .
چه رنگی دارید ؟	سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش .
این پیراهن های زنانه چند تومان هست ؟	قیمت ها از هفتادوپنج هزار شروع می شود تا هشتادوپنج هزار تومان .
قیمت ها گران هست( بالاست) !	خانم ، قیمت بر حسب جنس مختلف است .
این شلوارها چند تومان هست ؟	شلوار مردانه نود هزار تومان ، و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان .
شلوارهایی بهتر از اینها می خواهم .	آن مغازه ی همکارم هست ، شلوارهای بهتری دارد .
در مغازه ی همکارش	
لطفا ، یک شلوار از این جنس به من بده و ...	مبلغ دویست و سی هزار تومان شد .
مبلغ چقدر شد ؟	بعد از تخفیف به من دویست و بیست هزار بده .

ارسالی خانم رحیمی

◆ أئ كَلِمَةً مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ ثَنَابِسُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ :

1 أَلْمُسْتَبِدُّ الَّذِي لَا يَرَى لِأَحَدٍ عَلَيْهِ حَقًّا :  
◆ مستبدي (ديكتاتوری) که برای هیچ کس حقی نمی بیند (قائل نمی شود)  
▲ جَبَّار : ستمکار زورمند

2 الْإِنْسَانُ الَّذِي يَفْتَخِرُ بِنَفْسِهِ كَثِيرًا :  
◆ انسانی که بسیار به خودش افتخار می کند (می بالد ، می نازد)  
▲ مُخْتَالٌ (مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ) : خودپسند

3 حَيَوَانٌ يُسْتَخْدَمُ لِلْحَمْلِ وَ الرُّكُوبِ :  
◆ حیوانی که برای حمل (باربری) و سواری گرفتن بکار گرفته می شود .  
▲ جَمَارٌ : خر

4 أَلْعَمَلُ السَّيِّئُ وَ الْقَبِيحُ :  
◆ کار بد و زشت  
▲ مُنْكَرٌ : کار زشت

5 عُضْوٌ فِي الْوَجْهِ :  
◆ عضوی در صورت  
▲ حَدٌّ : گونه

10:47

ایران توننه

ارسالی خانم رسولی

نوشته ای برای موفقیت

◆ عَيْنُ نَوْعِ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ وَ مَيِّزُ تَرْجُمَتِهَا

▲ أَرَادَ : خواست = ماضی

▲ يَسَّبُ : دشنام دهد = مضارع

▲ قَالَ : فرمود = ماضی


▲ دَعَا : رها کن = امر

▲ مَا أَرْضَى : خشنود نکرد = ماضی

▲ لَا أَسْحَطُ : خشمگین نکرد = ماضی

21:25



ارسالی خانم میرزائی 

- 1  حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ .  
♦ خوش اخلاقی نصف دین است .  
▲ مبتدا : حسن  
▲ خبر : نصف
- 2  مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ .  
♦ هرکس اخلاقش بد شود ، خودش را عذاب می دهد .  
▲ مفعول : نفس
- 3  إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ .  
♦ تنها برای این که ارزشهای اخلاق را کامل کنم ، برانگیخته شدم .  
▲ فعل ماضی مجهول : بعثت  
▲ مفعول : مکارم
- 4  اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي ، فَحَسِّنْ خُلُقِي .  
♦ خدایا همانطور که آفرینش را نیکو کردی ، اخلاقم را نیکو گردان .  
▲ فعل ماضی : حسنت  
▲ فعل امر : حسن
- 5  لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ .  
♦ چیزی در ترازوی (اعمال) از اخلاق نیکو ، سنگین تر نیست .  
▲ اسم تفضیل : أثقل  
▲ جار و مجرور : فی المیزان ، من الخلق

#الدرس\_الاول  
#عربی\_انسانی\_یازدهم  
#التمرین\_الرابع

ارسالی خانم رحیمی 

♦ ترجم التراكيب التالية ثم عيّن اسم المكان و اسم التفضيل :

1 \* رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ \*

♦ پروردگار مشرق(شرق) و مغرب (غرب)

▲ الْمَشْرِقِ : اسم مكان

▲ الْمَغْرِبِ : اسم مكان

2 \* مِنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ \*

♦ از مسجد الحرام

▲ الْمَسْجِدِ : اسم مكان

3 يا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ :

♦ ای شنونده ترین شنوندگان

▲ أَسْمَعَ : اسم تفضيل

4 يا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ :

♦ ای بهترین آفرینندگان

▲ أَحْسَنَ : اسم تفضيل

5 يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ :

♦ ای مهربان ترین مهربانان

▲ أَرْحَمَ : اسم تفضيل

ایران تونته

همیشه ای برای موفقیت

الدرس الثاني	التمرين الثالث	ترجم الأفعال و المصادر التالية
قَدْ أَحْسَنَ	أَحْسِنُ	إِحْسَان
نیکی کرده است	نیکی کن	نیکی کردن
إِقْتَرَبَ	لَا تَقْتَرِبُوا	إِقْتِرَاب
نزدیک شد	نزدیک نشوید	نزدیک شدن
إِنْكَسَرَ	لَا تَنْكَسِرْ	إِنْكَسَار
شکسته شد	شکسته نشو	شکسته شدن
إِسْتَفْعَزَ	إِسْتَفْعِرْ	إِسْتِغْفَار
آمرزش خواست	آمرزش بخواه	آمرزش خواستن

الدرس الأول	التمرين الثالث	ترجم الأفعال و المصادر التالية
مَا سَافَرْتُ	لَا تُسَافِرْ	مُسَافِرَةٌ
سفر نکردم	سفر نکن	سفر کردن
تَعَلَّمَ	تَعَلَّمْ	تَعَلَّمَ
یاد گرفت	یاد بگیر	یاد گرفتن
تَبَادَلْتُ	لَا تَبَادَلُوا	تَبَادُل
عوض کردید	عوض نکنید	عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ	سَوْفَ يُعَلِّمُ	تَعْلِيم
آموزش داده است	آموزش خواهد داد	آموزش دادن

ارسالی خانم رحیمی

♦ عین المحلّ الإعرابی للكلمات الملونة.

1 فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ .

♦ ترجمه : پس خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد.

▲ سَكِينَةٌ : مفعول

▲ رسول : مجرور به حرف جر

2 لَا يَكْفُفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا .

♦ خداوند کسی را جز به اندازه توانش مکلف نمی سازد (تکلیف نمی دهد)

▲ الله : فاعل

▲ نفساً : مفعول

3 السَّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ .

♦ سکوت کردن طلا هست و سخن گفتن نقره هست.

▲ الْكَلَامُ : مبتدا

▲ خَيْرٌ : خبر

4 أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ .

♦ محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترین آنها برای بندگانش است.

▲ أَحَبُّ : مبتدا

▲ عِبَادٍ : مضاف إليه

▲ الله : مجرور به حرف جر

▲ أَنْفَعُ : خبر

5 عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ .

♦ دشمنی دانا ، بهتر از دوستی نادان هست.

▲ عَدَاوَةٌ : مبتدا

▲ خَيْرٌ : خبر

▲ صِدَاقَةٌ : مجرور به حرف جر

♦ إِسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٌ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ

... أَنْتَ أَنتَ 🖱️ (أَرْحَمَ) الرَّاحِمِينَ  
... (أَشَدُّ) الْمُعَاقِبِينَ 🖱️  
... (أَعْظَمُ) الْمُتَجَبِّرِينَ 🖱️

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآمِينَكَ وَ... وَ مَبْلُغِ رِسَالَتِكَ 🖱️  
(أَفْضَلَ) وَ (أَجْمَلَ) وَ (أَكْمَلَ) وَ (أَزْكَى) وَ (أَنْمَى) وَ (أَطْيَبَ) وَ (أَظْهَرَ) وَ (أَسْنَى)  
وَ (أَكْتَرًا) مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ ..... عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ .

يا 🖱️ (خَيْرَ) الْمَسْئُولِينَ وَ (أَوْسَعَ) الْمُعْطِينَ

## الدَّرْسُ الثَّانِي

همانا زبان عربی زبان قرآن و احادیث و دعاهاست و بسیاری از شاعران ایرانی از آن استفاده کرده اند و برخی از آنها ابیاتی را آمیخته به عربی سروده اند و آن را مُلَمَّع نامیده اند ؛ بسیاری از شاعران ایرانی مُلَمَّعاتی دارند از جمله : حافظ شیرازی و سعدی یرازی و جلال الدین رومی معروف به مولوی

مُلَمَّع لسان الغیب حافظ شیرازی 1

۱- نامه ای با دل خونین برای محبوبم نوشتم " که من دنیا و روزگار را در دوری تو مانند قیامت دیدم "

۲- از دوری او صدها نشانه در چشم دارم ، " آیا اشک های این دو چشم من ، نشانه و علامت بر ایمان نیست ؟ "

۳- هر چه که تجربه کردم ، از جانب او فایده ای به من نرسید ( وصال او ممکن نشد " ) هر کس آزموده را بیازماید ، پشیمانی نصیبش شود "

۴- از طبیبی احوال محبوبم را پرسیدم ، گفت " : در دوری و هجرانش رنج و عذاب و در نزدیکی اش سلامتی و آسایش است"

۵- گفتم اگر زیاد به دوست مشغول شوم مورد سرزنش واقع می شوم" به خدا سوگند که ما عشقی را بدون ملامت و سرزنش ندیده ایم"

۶- حافظ در آراء دادن جان شیرین خواستار جامی شده است ، " تا از آن (دادن جان ) ، جامی از کرامت عشق بجشد"

مُلَمَّعِ سَعْدَى شِیرَازِی

۱- آب انبار ها را ( برکه ها ) از سوارانی که در بیابان ها تشنه هستند ، بپرس " تو قدر و ارزش آب را چه می دانی ، وقتی در کنار آب

(شیرین و گواری ) فرات هستی!

۲- شبم با دیدن روی تو مثل روزست و چشمم با دیدن روی تو روشن می شود " . واگر مرا ترک کنی ، شب و روزم مساوی است"

۳- گرچه مدت زیادی انتظار کشیدم ، اما امیدم را از دست ندادم ، " زمان گذشت و دلم می گوید که تو می آیی"

۴- من انسانی به زیبایی تو نه دیده ام و نه شنیده ام ، اگر خمیر آفرینش تو از آب و گل است ، حقیقتا آغشته به آب زندگانی است.

۵- شب های تاریک من به امید دیدن روی تو صبح می شود ، " و گاهی چشمه حیات در تاریکی ها جستجو می شود"

۶- چقدر زندگیم را تلخ می کنی در حالی که تو این همه شهد و شیرینی داری ! از دهان شیرین تو جواب تلخ شنیدن زیباست!

۷- عاشق روی تو بودن برای ما فقط این پنج روزه عمر دنیا نیست ، " اگر خاک قبرم را ببویی ، بوی عشق را از خاکم می یابی"

۸- هر زیبا روی با نمکی را وصف کردم همانطور که دوست داری و می پسندی " ستایش های تو را چگونه بیان کنم که فراتر از

وصف کردن هستی ( چگونه تعریف تو گویم که فراتر از تعریف هستی ؟)

۹- از تو می ترسم و به تو امید بسته ام و از تو کمکم می خواهم و به تو نزدیکی می جویم " که هم دامگه بلا هستی و هم کلید نجات

و رهایی هستی!

۱۰- به دلخواهی و خواست دشمن ، از چشم دوست افتادم و بی ارزش شدم ، " دوستانم مرا ترک کردند( از من جداشدند )همان طور که

دشمنانم می خواهند( ! به خواست دشمن ، دوستانم مرا ترک کردند)

۱۱- شگفتا شرح نامه جدایی سعدی در تو اثر نمی کند " ! واگر به نزدیکان شکایت ببرم ، در لانه ها می گریند و ناله سر می دهند"

#الدرس\_الثانی  
#حول\_النص  
#عربی\_انسانی\_یازدهم

ارسالی جناب آقای سیدی

عَيْنُ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأُ حَسَبَ الدَّرْسِ .

- 1 ثَقُتْشُ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الصَّوِّ فَقَطْ ❌  
چشمه زندگانی فقط در تاریکی جستجو می شود ❌
- 2 الْمَلَقَعَاتُ اشعارَ فارسيَّةٍ مَمزوجةٍ بالعربيَّةِ ✅  
ملقعات اشعاری فارسی هستند که با عربی آمیخته شده اند ✅
- 3 يَرى سعدى الليلَ و النهارَ سواءً من هجرِ حبيبِهِ .  
سعدی از دوری محبوبش شب و روز را یکسان می بیند ✅
- 4 قَالَ سعدى مَضَى الزمانَ و قلبى يقولُ إِنَّكَ لَا تَأْتى .  
سعدی گفته است زمان گذشت و دلم می گوید که تو نمی آیی . ❌
- 5 يَرى حافظُ فى بُعدِ الحبيبِ راحةً و فى قُربِهِ عذاباً . ❌  
حافظ در دوری محبوب ، راحتی و در نزدیکیش عذاب می بیند .  
(احساس می کند) ❌

ارسالی سرکار خانم اسدی

♦ ترجم الكلمات التالية و الدعاء ، ثم عین اسم الفاعل و اسم المفعول .

♦ المقرب - نزدیک شده : اسم مفعول

♦ العالم - دانا ، داننده : اسم فاعل

♦ المنتج - تولید کننده : اسم فاعل

♦ المُجهَّز - آماده شده : اسم مفعول

♦ المضروب - زده شده : اسم مفعول

♦ المتكلم - گوینده : اسم فاعل

♦ فرازهایی از دعای جوشن کبیر :

يا صانع كلِّ مصنوعٍ يا خالق كلِّ مخلوقٍ يا رازق كلِّ مرزوقٍ يا مالک كلِّ مملوكٍ :

▲ ترجمه : ای سازنده هر ساخته شده ای ، ای آفریننده هر آفریده شده ای ، ای روزی دهنده هر روزی داده شده ای ، ای صاحب هر مال و دارایی

♦ صانع - اسم فاعل : سازنده

♦ مصنوع - اسم مفعول : ساخته شده

♦ خالق - اسم فاعل : آفریننده

♦ مخلوق - اسم مفعول : آفریده شده

♦ رازق - اسم فاعل : روزی دهنده

♦ مرزوق - اسم مفعول : روزی داده شده



♦ مالک - اسم فاعل : صاحب



♦ مملوك - اسم مفعول : تصاحب شده ، مال ، دارایی







ارسال کننده خانم رسولي 

◆ عَيْنَ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ:

1  الرُّكْبُ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمَسَافِرِينَ يُسَافِرُونَ عَلَى الدَّوَابِّ:  
ترجمه : اسب سواران (کاروان شتر) گروهی از مسافران هستند که (سوار)  
بر چهارپایان مسافرت می کنند 

2  غُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الشِّتَاءِ بَدِيعَةٌ خَضْرَاءُ :  
ترجمه : شاخه های درختان در زمستان نو و سبز است 

3  الْغَدَاةُ نِهَائَةُ النَّهَارِ وَبَدَايَةُ ظِلَامِ اللَّيْلِ :  
ترجمه : بامداد پایان روز و آغاز تاریکی شب است 

4  الْكَأْسُ إِذَا يُشْرِبُ بِهِ الْمَاءُ أَوْ الشَّاي :  
ترجمه : لیوان ظرفی است که با آن آب یا چای نوشیده می شود. 

5  يُصَنَعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ :  
ترجمه : نان از خمیر درست می شود 

19:13

ایران تونل

توشه ای برای موفقیت

ارسال کننده خانم رسولی

ضع في الدائرة العدد المناسب ( كلمة واحدة زائدة)

1 الوكئة : بيث الظيور :  
ترجمه : لانه : خانه پرندگان

2 الكرامة : شرف و عظمة و عزة النفس :  
ترجمه : كرامت : شرافت و بزرگي و عزت نفس

3 الهجز : ترك الصديق أو المحب :  
دوري : ترك كردن دوست يا معشوق

4 الرفاث ( كلمة اضافي هست):  
استخوان پوسیده

5 السواز : زينة من الذهب أو الفضة في يد المرأة :  
ترجمه : دستبند : زينتي از طلا يا نقره در دست زن

6 المليح : من يعجبك شكله و كلامه و سلوكه :  
ترجمه : با نمك : كسي كه چهره و سخنان و رفتارش تو را به تعجب وا مي دارد

ایران توننه

توشه ای برای موفقیت

ارسالی آقای عباس زاده

◆ تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

1 إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ ، فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ. الإمام علي(ع)  
◆ ترجمه : ازدوستی با نادان بپرهیز زیرا او می خواهد به تو سود برساند اما زیان می رساند.

▲ الفعل المضارع : يُرِيدُ ، أَنْ يَنْفَعُ ، يَضُرُّ

2 الصَّدِيقُ مَنْ كَانَ نَاهِيًا عَنِ الظُّلْمِ وَ الْعَدْوَانِ مُعِينًا عَلَى الْبِرِّ وَ الْإِحْسَانِ.  
الإمام علي(ع)  
◆ ترجمه : دوست کسی است که بازدارنده از ستم و دشمنی ویاری رساننده بر نیکی و احسان باشد.

▲ الْجَارُّ وَ الْمَجْرُورُ : عَنِ الظُّلْمِ ، عَلَى الْبِرِّ

3 إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكُذَّابِ ، فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ. الإمام علي(ع)  
◆ ترجمه : از دوستی با دروغگو بپرهیز زیرا او مانند سراب است دور را برای تو نزدیک می سازد و نزدیک را برای تو دور می سازد.

▲ اسم المبالغة : الْكُذَّابِ

ایران توتنه

توشه ای برای موفقیت

#الدرس\_الثانى  
#عربى\_يازدهم\_انسانى  
#التمرين\_الثالث (قسمت دوم)

ارسالی آقای عباس زاده

♦ تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

4 أَلْصَدِيقُ الصَّدُوقُ مَنْ نَضَحَكَ فِي غَيْبِكَ ، وَ حَفِظَكَ فِي غَيْبِكَ ، وَ أَتَرَكَ عَلَى نَفْسِهِ. الإمام الصادق(ع)

♦ ترجمه : دوست راستگو کسی است که تو را درباره عیبت پند دهد ، و تو را در نبودنت حفظ کند ، و تو را بر خودش برگزیند.(مقدم بدارد)  
▲ الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَزٍّ : غَيْبٍ ، غَيْبٍ ، نَفْسٍ

5 مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ مِنْ إِخْوَانِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، فَلَمْ يَقُلْ فِيكَ شَرًّا ، فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ صَدِيقًا. الإمام الصادق(ع)

♦ ترجمه : هرکس از برادرانت سه بار از تو خشمگین شود(شد) و درباره تو به بدی سخن نگوید(نگفت) او را برای خودت به دوستی بگیر.  
▲ فِعْلُ الْأَمْرِ : اتَّخِذْ

6 يَا بُنَيَّ ، اتَّخِذْ أَلْفَ صَدِيقٍ وَ الْأَلْفَ قَلِيلِكَ ، وَ لَا تَتَّخِذْ عَدُوًّا وَاحِدًا وَ الْوَاحِدُ كَثِيرٌ. لقمان الحكيم

♦ ترجمه : (ای) پسر من ، هزار دوست بگیر و هزار تا کم است ، و یک دشمن بگیر و یک دشمن زیاد است.  
▲ فِعْلُ النَّهْيِ : لَا تَتَّخِذْ

ایران توشه

توشه ای برای موفقیت

ارسالی خانم رحیمی

◆ أکْتُبْ مُتْرَادِفَ أَوْ مُتَضَادَّ كُلِّ كَلِمَةٍ أَمَامَهَا :

▲ الأُجِبَّة ( دوستان ) # العُدَاة ( دشمنان )

▲ الحُب = الأُود ( دوستی )

▲ الفَتَجْر = الدُّكَّان ( مغازه ؛ دکان )

▲ العِشِيَّة ( شامگاه ؛ آغاز شب ) # العُدَاة ( صبحگاه ؛ آغاز روز )

▲ السَّلْم ( صلح ) # الحَرْب ( جنگ )

▲ القُرْب ( نزدیکی ) # البُعْد ( دوری )

▲ أَلْقَلَاة = الصَّحْرَاء ( دشت ؛ بیابان )

▲ شَاءَ = أَرَادَ ( اراده کرد ؛ خواست )

▲ دَنَا ( نزدیک شد ؛ پیش آمد ) # قَرَّبَ ( نزدیک شد )

#الدرس\_الثانى  
#التمرین\_الخامس  
#عربى\_انسانى\_يازدهم

ارسالی خانم رحیمی 

♦ تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ :

1 ( قَالَ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا )

♦ گفت همانا او یاری شده ( مورد حمایت ) بود .

▲ مَنْصُورًا : اسم مفعول

2 ( إِنَّكَ أَنْتَ غَلَامٌ الْغُيُوبِ )

♦ بدرستیکه تو بسیار دانای نهان ها هستی . ( از تمام اسرار و پنهانیها با خبری )

▲ غَلَامٌ : اسم مبالغه

3 ( قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ )

♦ بگو مشرق و مغرب از آن خداست .

▲ الْمَشْرِقُ : اسم مکان

▲ الْمَغْرِبُ : اسم مکان

4 ( إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ )

♦ قطعاً خداوند توکل کنندگان را دوست ( می ) دارد .

▲ الْمُتَوَكِّلِينَ : اسم فاعل

5 ( ... ) اللَّهُ أَغْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ )

♦ خدا به آنچه انجام می دهید دانا تر ( آگاهتر ) است .

▲ أَغْلَمُ : اسم تفضیل

## الدَّرْسُ الثَّالِثُ

### شگفتی های مخلوقات

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ. رسول الله (ص)

در آفرینش (خدا) بیندیشید و درباره آفریننده نیندیشید. رسول خدا (ص)

مَنْ يَتَفَكَّرُ فِي خَلْقِ اللَّهِ، يُشَاهِدُ قُدْرَةَ اللَّهِ.

هرکس در آفرینش خدا بیندیشد قدرت خدا را می بیند.

أَلطَائِرُ الطَّنَّانِ: مرغ مگس

هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ، طَوْلُهُ خَمْسَةُ سَنْتِمِ تَرَاتٍ

آن کوچکترین پرنده روی زمین است، طولش 5 سانتی متر است،

يَطِيرُ إِلَى الْعُلَى وَالسَّقْلِ، وَإِلَى الْيَمِينِ وَالشِّمَالِ، وَإِلَى الْأَمَامِ وَالْخَلْفِ.

به طرف بالا و پایین و راست و چپ و جلو و عقب پرواز می کند.

وَإِنْطِلَاقُهُ وَتَوَقُّفُهُ السَّبْعَانِ يُثِيرَانِ التَّعْجِبَ. وحرکت و ایستادن سریعش شگفتی را برمی انگیزد.

سُمِّيَ طَنَّانًا؛ لِأَنَّهُ يُحَدِّثُ طَنِينًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحَيْهِ،

مرغ مگس نامیده شد زیرا صدایی به دلیل سرعت حرکت بالهایش ایجاد می کند.

فَإِنْ تُحَاوَلُ رُؤْيَا جَنَاحَيْهِ لَا تَقْدِرُ، أَتَدْرِي لِمَذَا؟

اگر تلاش کنی بالهایش را ببینی نمی توانی، آیا می دانی چرا؟

لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ جَنَاحَيْهِ ثَانِينَ مَرَّةً تَقْرِيْبًا فِي الثَّانِيَةِ الْوَاحِدَةِ.

چون بالهایش را در یک ثانیه تقریباً 80 بار حرکت می دهد.

الْتِمْسَاحُ: تمساح

لَهُ طَرِيقَةٌ غَرِيبَةٌ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ، (تمساح) روشی عجیب در تمییز کردن دندانهایش دارد،

فَبَعْدَ أَنْ يَتَنَاوَلَ طَعَامَهُ، يَسْتَرِيحُ عَلَى الْإِسْطِاطِ، بَعْدَ ذَلِكَ يَأْكُلُ غَدَائِهِ رَاحَةً، كَنَارِ سَاحِلِ اسْتِرَاحَتِهِ

فَيَقْتَرِبُ مِنْهُ نَوْعٌ مِنَ الطُّيُورِ بِاسْمِ الزَّقَاقِ، وَبَعْدَ ذَلِكَ يَأْكُلُ غَدَائِهِ رَاحَةً، كَنَارِ سَاحِلِ اسْتِرَاحَتِهِ

فَيَفْتَحُ التَّمْسَاحُ فَمَهُ، فَيَدْخُلُ ذَلِكَ الطائرُ فِيهِ، وَ يَبْدَأُ يَنْفِرُ بِقَايَا الطَّعَامِ مِنْ فَمِهِ،

وتمساح دهانش را باز می کند و آن پرنده داخلش می شود و شروع به نوک زدن (کندن) مانده های غذا از دهانش می کند

وَبَعْدَ أَنْ يَنْتَهِيَ مِنْ عَمَلِهِ، يَخْرُجُ بِسَلَامَةٍ. وبعد از اینکه کارش به پایان رسید سالم خارج می شود.

### دودة الرض: كرم خاكي

إذا أصابها شئ قاطع، وَقَسَمَهَا إِلَى نِصْفَيْنِ، أَحَدُهُمَا بِرَأْسِ وَالْآخَرُ بِرَأْسِ دَائِلٍ،

هرگاه چیز برنده ای به آن برخورد کند و آن را به دو نیمه تقسیم کند یکی از آنها بدون سر و دیگری بدون دم  
فَإِنَّ هَدْيَيْنِ التَّصْفِيَيْنِ يَنْمُوَانِ، لِيَكُونَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا دودة كَامِلَةً.

این دو نیمه رشد می کنند تا هریک از آنها کرم کاملی شود.

### السَّمَكُ الطَائِرُ: ماهی پرنده

نوعٌ مِنَ السَّمَاكِ يَفُوزُ مِنَ الْمَاءِ بِحَرَكَةٍ مِنْ دَبِيلِهِ الْقَوِيِّ

یک نوع از ماهی هاست که با حرکت دم قوی اش از آب می پرد

وَيَطِيرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ، حَيْثُ يَمْدُ زَعَانِفَهُ الْكَبِيرَةَ الَّتِي تَعْمَلُ كَجَنَاحَيْنِ.

وبالای سطح آب پرواز می کند، طوری که باله های بزرگش را که مانند دو بال عمل می کند، باز می کند (دراز می کند).

يُفَعِّلُ ذَلِكَ لِإِلْفِرَارِ مِنْ أَعْدَائِهِ. آن کار را برای فرار از دشمنانش انجام می دهد.

يَطِيرُ هَذَا السَّمَكُ خَمْسًا وَأَرْبَعِينَ ثَانِيَةً، ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْمَاءِ وَيَدْخُلُ فِيهِ.

این ماهی 45 ثانیه پرواز می کند سپس به سمت آب فرود می آید و داخل آن می شود.

### نَ قَارُ الْخَشَبِ: دارکوب

طَائِرٌ يَنْفِرُ جِدْعَ الشَّجَرَةِ بِنْفَارِهِ عَشَمَ رَاتٍ فِي اللَّيْلِ عَلَى الْأَقْلِ،

پرنده ای است که بامنقارش حداقل ۱۰ بار در ثانیه تنه درخت را نوک می زند.

وَهَذِهِ السُّعَةُ لِاتِّصَالِ دِمَاغِهِ الصَّغِيرِ بِسَبَبِ وُجُودِ غُضُوئَيْنِ فِي رَأْسِهِ لِدَفْعِ الضَّبَّاتِ:

و به دلیل وجود دو عضو در سرش برای دفع ضربه ها، این سرعت به مغز کوچکش آسیب نمی رساند:

الْأَوَّلُ نَسِيجٌ بَيْنَ الْجُمُجَمَةِ وَالْمَنْقَارِ، وَالثَّانِي لِسَانُ الطَّائِرِ الَّذِي يَدُورُ دَاخِلَ جُمُجَمَتِهِ.



(عضو) اول بافتی میان جمجمه و منقارش و (عضو) دوم زبان پرنده است که داخل جمجمه اش می چرخد .  
(دور جمجمه اش)

می پیچد

أَلْسِنَ نَجَابُ الطَّائِرُ : سَنَجَابُ پرنده

لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَفُوزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى،

پرده (پوست) خاصی مثل چتر دارد که وقتی از درختی به درختی دیگر می پرد آن را باز می کند.

وَيَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةٍ وَخَمْسِينَ قَدَمَا فِي فَرْزَةٍ وَاحِدَةٍ.

ومی تواند در یک پرش بیشتر از ۱۵۰ قدم پرواز کند.

حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ : مار صحرا

فِي مُنْتَصَفِ النَّهَارِ وَعِنْدَمَا تَحْرُقُ الرَّمَالُ أَقْدَامَ مَنْ يَسِيرُ عَلَيْهَا مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ،

در وسط روز و هنگامی که ماسه ها پاهای کسی را که رویش حرکت می کند از شدت گرما می سوزاند،

تَضَعُ هَذِهِ الْحَيَّةُ ذَنْبَهَا فِي الرَّمْلِ، ثُمَّ تَقِفُ كَالْعَصَا. فَإِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ.

این مار دُمش را در ماسه قرار می دهد، سپس مثل عصا می ایستد. و هرگاه پرنده ای روی آن بایستد آن را شکار می کند.

ایران توننه

توشه ای برای موفقیت

ارسالی خانم رحیمی

♦ ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ الدَّرْسِ.

1 بَمَ يَطِيرُ السَّنَجَابُ الطَّائِرُ حِينَ يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ ؟  
♦ سنجاب پرنده با چه چیزی پرواز می کند هنگامی که از درختی به درختی می پرد ؟  
▲ بِالغَشَاءِ


2 أَيُّ طَائِرٍ يُسَاعِدُ التَّمْسَاحَ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ ؟  
♦ کدام پرنده به تمساح در تمیز کردن دندانهایش کمک می کند ؟  
▲ الزقزاق : مرغ باران

3 لِمَاذَا سَمِيَ الطَّائِرُ الظَّنَانُ بِهَذَا الْإِسْمِ ؟  
♦ برای چه مرغ مگس به این اسم نامیده شده است ؟  
▲ لِأَنَّهُ يُحَدِّثُ ظَنِينًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحِيهِ .

4 مَتَى تَصِيدُ حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ الطَّيْرَ ؟  
♦ چه موقع مار صحرا پرنده را شکار می کند ؟  
▲ إِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُ.

5 كَمَ ثَانِيَةً يَطِيرُ السَّمَكُ الطَّائِرَ ؟  
♦ چند ثانیه ماهی پرنده پرواز می کند ؟  
▲ يَطِيرُ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً .

6 مَا هُوَ أَضْعَفُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ ؟  
♦ کوچکترین پرنده بر روی زمین کدام است ؟  
▲ الطَّائِرُ الظَّنَانُ : مرغ مگس

ارسالی خانم رسولی 

♦ ترجمه الآيات ثم عيّن أداة الشرط و فعل الشرط و جوابه :

1 وما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ

♦ ترجمه :

و هرچه از خوبی برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خدا می یابید

▲ ما : أداة الشرط

▲ تقدّموا : فعل الشرط

▲ تجدوا : جواب الشرط

2 إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ :

♦ ترجمه :

اگر خدا را یاری کنید (خدا) شما را یاری می کند و قدمهایتان را استوار می سازد.

▲ إِنْ : أداة الشرط

▲ تنصروا : فعل الشرط

▲ ينصُرْ : جواب الشرط

3 و إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَاماً :

♦ ترجمه :

و اگر افراد نادان آنها را خطاب کنند سخن آرام می گویند.

♦ ترجمه لفظی :

و اگر افراد نادان آنها را خطاب کردند سخن آرام گفتند

▲ إذا: أداة الشرط

▲ خاطب: فعل الشرط

▲ قالوا: جواب الشرط

اسماعیل	ابراهیم
بیا به ورزشگاه (استادیوم) برویم .	برای دیدن چه مسابقه ای ؟
برای دیدن مسابقه فوتبال .	این مسابقه بین چه کسی ( تیم هایی ) است ؟
بین تیم صداقت و سعادت .	این دو تیم دو هفته قبل مساوی شدند .
آن را به یاد می آورم .	کدام یک از دو تیم قوی تر است ؟
هر دو قوی هستند . ما باید به ورزشگاه برویم قبل از این که از تماشاچی پر شود .	روی چشمم ؛ بیا برویم .
در ورزشگاه ( استادیوم ورزشی)	
نگاه کن یکی از مهاجمان تیم صداقت آمد . گل ثبت خواهد کرد (گل خواهد زد) .	او به دروازه تیم سعادت حمله کرد . گل ! گل !
اما داور گل را قبول نکرد! ؟ چرا !!؟	شاید به خاطر آفساید است .
نگاه کن! حمله ای قوی از طرف بلژیکن تیم صداقت .	دروازه بان تیم سعادت مرا خیلی شگفت زده می کند .
چه کسی به (مرحله ) پایانی می رود ؟	کسی که گل ثبت کند (بزند ) به مرحله نهایی می رود .
داور سوت می زند .	برای بار دوم بدون گل مساوی شدند .

ارسالی از خانم رسولی

♦ أيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

1 أداةٌ لِحَفْظِ الْإِنْسَانِ أَمَامَ أَشْعَةِ الشَّمْسِ أَوْ نُزُولِ الْمَطَرِ أَوْ الثَّلْجِ :

♦ ترجمه :

وسيله ای برای حفاظت انسان در برابر اشعه خورشید یا بارش باران یا برف :  
▲ مظلة (چتر)

2 طَائِرٌ يَنْقُرُ جُذُوعَ الْأَشْجَارِ وَ يَصْنَعُ عُشًّا فِيهَا :

♦ ترجمه :

پرنده ای که تنه های درختان را نوک می زند و لانه ای در آنها می سازد :  
▲ نَقَارُ الْخَشَبِ (دارکوب)

3 حَيَوَانٌ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ

♦ ترجمه :

حیوانی که بر شکمش راه می رود  
▲ حَيَّة - دودة (مار-کرم)

4 غُضُوٌّ يَطِيرُ بِهِ الطَّائِرُ :

♦ ترجمه :

عضوی که پرنده به وسیله آن پرواز می کند  
▲ جناح (بال)

پیرایه تونته

توشه ای برای موفقیت

التَّمْرِينُ الثَّانِي: الف: تَرَجِّمِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظًّا.

١ ( تَسْفُطُ أَسْنَانُ سَمَكِ الْقُرْشِ دَائِمًا وَ تَنْمُو أَسْنَانُ جَدِيدَةً مَكَانَهَا. وَ فِي بَعْضِ أَنْوَاعِهِ تَنْمُو أَلْفَ الأَسْنَانِ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ.

دندانهای کوسه ماهی همیشه می ریزند و دندانهای جدیدی به جای آنها رشد می کند. و در بعضی از انواع کوسه ماهی ، هزاران دندان در یک سال رشد می کند.

أسنان: فاعل جَدِيدَةً: صفت

٢ ( يُعَدُّ الحَوْثُ الأَزْرَقُ أَكْبَرَ الكَائِنَاتِ الحَيَّةِ فِي العَالِمِ. يَبْلُغُ طَوْلُهُ ثَلَاثِينَ مِترًا وَ وَزْنُهُ مِئَةَ وَ سَبْعِينَ طَنًّا تَقْرِيبًا.

نهنگ آبی از بزرگترین موجودات زنده در جهان به شمار می رود .طول آن سی متر و وزنش تقریباً به ۱۷۰ تن می رسد.

الأزرق: صفت العالم: مجرور به حرف جر

٣ ( الَّتِمْسَاخُ لَا يَبْكِي عِنْدَ أَكْلِ فَرِيَسَتِهِ ، بَلْ عِنْدَمَا يَأْكُلُ فَرِيَسَةً أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ، تُفَرِّزُ عُيُونُهُ سَائِلًا كَأَنَّهُ دُمُوعٌ .

تمساح هنگام خوردن طعمه اش گریه نمیکند بلکه هنگامیکه طعمه ای بزرگتر از دهانش می خورد ، چشمانش مایعی ترشح می کند که گویی آن اشک است.

فَرِيَسَةً: مفعول سَائِلًا: مفعول

٤ ( لَهْجَاتُ نَوْعٍ وَاحِدٍ مِنَ الطَّيُورِ تَخْتَلِفُ مِنْ مِنتَقَةٍ إِلَى مِنتَقَةٍ أُخْرَى.

لهجه های یک نوع از پرندگان از منطقه ای به منطقه دیگر اختلاف دارد.

الطيور: مجرور به حرف جر منطقة: مجرور به حرف جر

٥ ( يُقَدِّرُ العُلَمَاءُ أَنْوَاعَ الكَائِنَاتِ الحَيَّةِ فِي بَحَارِ العَالِمِ بِالمِلايين .

دانشمندان انواع موجودات زنده در دریاهاى جهان را میلیونها (موجود) برآورد می کنند.

العالماء: فاعل العالم: مضاف اليه

ب: عَيْنَ الفِعْلِ المَتَعَدِّيِّ مِنْ هَذِهِ الأَفْعَالِ الَّتِي جَاءَتْ فِي الجُمْلِ السَّابِقَةِ:

تَسْفُطُ : لازم / يَأْكُلُ : متعدى / تَخْتَلِفُ : لازم / يُقَدِّرُ : متعدى


ارسالی  
سرکارخانم ساکی



ایران توننه

توشه ای برای موفقیت

#الدرس\_الثالث  
#عربی\_یازدهم\_انسانی  
#التمرین\_الثالث

ارسالی خانم صادقیان 

◆ صَغُ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ

◆ يَذْرِي = يَغْلَمُ  
▲ ترجمه : می داند

◆ يَضْحَكُ # يَبْكِي  
▲ می خندد # گریه می کند

◆ يَضُرُّ # يَنْفَعُ  
▲ ضرر می رساند # سود می رساند

◆ يَسَارُ = شِمَال  
▲ ترجمه : چپ

◆ أَمْوَاتٌ # أَحْيَاءُ  
▲ ترجمه : زندگان # مردگان


◆ صِدَاقَةٌ # عِدَاوَةٌ  
▲ ترجمه : دوستی # دشمنی

◆ تَقَرَّبُ # إِبْتِعَادُ  
▲ ترجمه : نزدیکی # دوری  
ایرانه توننه  
دوریه ای برای موفقیت

◆ أَسْفَلَ # أَعْلَى  
▲ ترجمه : پایین تر # بالاتر




◆ سَكَتٌ # تَكَلَّمَ  
▲ سکوت کرد # سخن گفت








ارسالی سرکار خانم رحیمی 



◆ اَكْمَلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَ الْحَدِيثَيْنِ ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَ فِعْلَ الشَّرْطِ وَ جَوَابَهُ

1 و ما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَغْلَفُهُ اللهُ (البقرة ١٩٧)   
و هر آنچه را از کار نیک ... (انجام دهید) خدا آن را می داند . 



▲ ما : أداة شرط   
▲ تَفْعَلُوا : فعل شرط   
▲ يَغْلَفُ : جواب شرط 




2 إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ (الإسراء ٧)   
اگر نیکی کنید به خودتان ... (نیکی می کنید) 

▲ إِنْ : أداة شرط   
▲ أَحْسَنْتُمْ : فعل شرط   
▲ أَحْسَنْتُمْ : جواب شرط 

3 إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا (الأنفال ٢٩)   
اگر از خدا پروا کنید برایتان نیروی تشخیص حق از باطل ... (قرار می دهد) 

▲ إِنْ : أداة شرط   
▲ تَتَّقُوا : فعل شرط   
▲ يَجْعَلُ : جواب شرط 

4 مَنْ سَأَلَ فِي صَعْرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ «الإمام علي (ع)»   
هر کس در خردسالی اش بپرسد در بزرگسالی اش ... (پاسخ می دهد) 

▲ مَنْ : أداة شرط   
▲ سَأَلَ : فعل شرط   
▲ أَجَابَ : جواب شرط 

# الدَّرْسُ الرَّابِعُ

## آداب سخن گفتن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ و قولوا قَوْلًا سَدِيدًا (70 « الأحزاب ) »

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید. احزاب 70  
لِلْكَلامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَ يَدْعُوَ الْمُخَاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ  
سخن گفتن آدابی دارد که گوینده باید به آن عمل کند و مخاطبان را با سخنی زیبا به کار نیک فراخواند.  
أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ « وَ أَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بِتَعْنَتٍ  
النحل ( « ) أَحْسَنُ 125

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنها با « و به قصد آزار و خطاگرفتن با آنها مجادله نکند (» شیوه ای که نیکوتر است مجادله کن (مناظره کن. لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ « ، وَ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُعَيِّرَ سُلُوكَهُمْ

چرا چیزی را می گویید که « ، و باید به آنچه که می گوید عامل (عمل کننده) باشد، تا رفتارشان را تغییر دهد «انجام نمی دهید

الإمام الصادق (ع « ) السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ « وَ يَجِبُ أَنْ يُسَلِّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ

اول سلام سپس کلام « ( ) قبل از سخن گفتن سلام کردن است « ، و باید قبل از سخن گفتن سلام کند

كَلِمَ « ، كَمَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامَهُ لَيْتًا عَلَى قَدْرِ عُقُولِ الْمُسْتَمِعِينَ، لِكَيْ يُفْنِعَهُمْ وَ يَكْسِبَ مَوَدَّتَهُمْ

الإمام على (ع. « ) عَوْدُ لِسَانِكَ لِيْنِ الْكَلَامِ « رسول الله (ص ) ، وَ « النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ

همانگونه که باید سخنش نرم و به اندازه عقل و فهم شنوندگان باشد، تا آنها را قانع کند و دوستی آنها را

«زبان را به نرمگویی عادت بده « و « با مردم به اندازه عقل هایشان سخن بگو « ، بدست بیاورد

الإسراء ( « ) وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ « ، وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ (36

و از آنچه که به آن علمی نداری « ، و باید (بر او لازم است) درباره ی آنچه که به آن علم و آگاهی ندارد سخن نگوید

رسول الله (ص) « (إِتَّقُوا مَوَاضِعَ التُّهْمِ » ؛ وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعْرِضُ نَفْسَهُ لِلتُّهْمِ

«از جاهای تهمت بپرهیزید . « و باید در موضوعی که خودش را در معرض تهمت ها قرار می دهد، دخالت نکند

الإمام \_\_\_\_\_ على ( ع . « ) (تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ . « أَلْمَتَكُمُ يُعْرَفُ بِكَلَامِهِ

سخن بگویند تا شناخته شوید زیرا (شخصیت) انسان در زیر زبانش پنهان . « گوینده با سخنش شناخته می شود

«است

الإمام على ( ع . « ) (رُبَّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ . « فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ فُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السِّلَاحِ

«چه بسا سخنی مثل شمشیر است . « بعضی وقت ها قدرت سخن از اسلحه قوی تر است

الإمام على ( ع . « ) (فَكِّرْ ثُمَّ تَكَلَّمْ تَسَلَّمَ مِنَ الزَّلِيلِ . « وَ رَبُّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ

«بیندیش آنگاه سخن بگو تا از لغزش در امان بمانی . « و چه بسا سخنی برایت مشکلات می آورد

لَا تُحَدِّثْ بِمَا تَخَافُ . « يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْاجْتِنَابُ عَنِ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا اخْتِمَالُ الْكِذْبِ

الإمام على ( ع . « ) (تَكْذِيبُهُ دَرَارَةٌ شَدِيدَةٌ لِشَيْءٍ لَا يَكُونُ فِيهِ دَلِيلٌ عَلَى حَقِّهِ . « انسانی باید از بیان سخنانی که احتمال دروغ در آن است بپرهیزد . « می ترسی سخن نگو

رسول الله ( ص . « ) (مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ . « طُوبَى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ

الإمام على ( ع . « ) (خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ ، وَ مِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلْتُهُ

خوشا به حال کسی که مردم از زبانش نمی ترسند . هرکس که مردم از زبانش بترسند پس او از دوزخیان

«بهترین سخن آنست که کم و گویا (راهنما) باشد ، و از آداب سخن ، کم بودن آن (کم گویی) است . « است

وَ قَفَّ رَجُلٌ جَمِيلُ الْمَظْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطٍ يَفْتَحُرُ بِمَلَابِسِهِ وَ بِمَظْهَرِهِ ، فَقَالَ لَهُ سُقْرَاطُ : تَكَلَّمْ حَتَّى أَرَاكَ .

مردی خوش ظاهر مقابل سقراط ایستاد که به لباسها و ظاهرش افتخار می کرد (می بالید) . پس سقراط به او گفت:

سخن بگو تا تو را ببینم .

ارسالی جناب آقای سید مجتبی سیدی

♦ اجب عن الأسئلة التالية مُستعِيناً بِالنَّصِّ.

♦ ترجمه : با کمک متن درس به سوالات پاسخ بده .

۱- لِمَاذَا اُزْدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ؟  
♦ ترجمه : چرا کلمات عربی بعد از ظهور اسلام در زبان فارسی زیاد شد؟  
▲ پاسخ : اُزْدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ الدِّينِيِّ.

۲- بعد أيِّ حادثٍ تاريخيٍّ اِشْتَدَّ نَقْلُ الْكَلِمَاتِ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ؟  
♦ ترجمه : بعد از کدام حادثه تاریخی انتقال کلمات فارسی به عربی شدت یافت  
▲ اِشْتَدَّ نَقْلُ الْكَلِمَاتِ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ بَعْدَ إِنْضِمَامِ إِيرَانَ إِلَى الدَّوْلَةِ الْعَبَّاسِيَّةِ.

۳- مَنْ هُوَ مُؤَلِّفُ «مُعْجَمِ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ»؟  
♦ ترجمه : مؤلف کتاب «لغت نامه مُعْرَبَاتِ فَارِسِي در زبان عربی» کیست؟  
▲ پاسخ : مؤلفه هو الدُّكْتُورُ التُّونْجِيُّ .

۴- مَتَى دَخَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟  
♦ ترجمه : چه زمانی واژه های فارسی وارد زبان عربی شد؟  
▲ پاسخ : دَخَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ.

۵- بَأَيِّ سَبَبٍ نُقِلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ؟  
♦ با چه سببی لغات فارسی به عربی منتقل می شود.  
▲ پاسخ : نُقِلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَ دُخُولِ الْإِيرَانِيِّينَ فِي الْيَمَنِ وَ الْعِرَاقِ .

۶- أَيُّ شَيْءٍ يَجْعَلُ اللُّغَةَ غَنِيَّةً فِي الْأَسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ؟  
♦ ترجمه : چه چیزی زبان را در سبک و بیان توانمند می سازد؟  
▲ پاسخ : تَبَادُلُ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي الْأَسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ .

#الدرس\_الرابع  
#اختبرنفسک۱  
#عربی\_إنسانی\_یازدهم

✿ ارسالی سرکار خانم میرزایی

✿ إختَبَر نَفْسَكَ : تَرَجِم حَسَب قَوَاعِدِ المَعْرِفَةِ وَ النِّكَرَةِ .

✿ ۱- اللّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِضْبَاحٌ  
المِضْبَاحُ فِي رُجَاجَةِ الرُّجَاجَةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ .

✿ خدا نور آسمان ها و زمین است ؛ وصف نورش مانند چراغدانی  
است که در آن چراغی است ، چراغ در میان قندیل بلورینی (شیشه ای)  
است ، که آن قندیل بلورین (شیشه ای ) گویی ستاره تابانی است .

✿ ۲- أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ .  
المزمل (۱۶و۱۵)

✿ نزد فرعون ، رسولی فرستادیم پس فرعون از (آن) رسول نافرمانی  
کرد .

✿ ۳- عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ . (رسول الله "ص")

✿ دانشمندی که از علم آن بهره برده می شود از هزار عابد بهتر  
است .

توشه ای برای موفقیت

#درس\_۴\_إختبرنفسک۱

ارسالی از خانم رسولی

♦ ترجمه الایتین و الحدیث حسب قواعد الدرس، ثم عین الافعال المضارعة :

1 و عسى أن تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسى أن تحبوا شیئاً و هو شر لکم .

♦ ترجمه : چه بسا چیزی را خوش ندارید (ناپسند بدارید) در حالی که آن برایتان بهتر است و چه بسا چیزی را دوست بدارید حال آنکه برایتان بد است  
▲ فعل مضارع : أن تکرهوا / أن تحبوا

2 أنفقوا مما رزقناکم من قبل أن یأتی یوم لا بیع فیہ و لا حلة و لا شفاعۃ :

♦ ترجمه : از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید پیش از آنکه روزی بیاید که نه داد و ستدی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی  
▲ فعل مضارع : أن یأتی

3 من أخلاق الجاهل الإجابة قبل أن یسمع و المعارضة قبل أن یفهم و الحکم بما لا یعلم .

♦ ترجمه : از اخلاق فرد نادان پاسخ دادن قبل از اینکه بشنود و مخالفت کردن قبل از اینکه (مقصود گوینده را) بفهمد و حکم دادن به آنچه که نمی داند.  
▲ فعل مضارع : أن یسمع / أن یفهم / لا یعلم

ارسالی سرکارخانم قیصری

♦ عین الجملة الصحيحة و غیر الصحيحة حسب الحقيقة.

1 المِسْكُ عِطْرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِزْلَانِ. ✓  
مشک ، عطری است که از نوعی از آهو گرفته می شود. ✨

♦ ( آهوی مشک از آهوی معمولی کوچکتر است و شاخ ندارد. بدنش برنگ قهوه ای، دستها از پاها کوتاهتر و دو دندان نیش آن کج و از دهن برآمده است. این نوع آهو در مناطقی همچون تبت، سیبری، شمال غرب چین و برخی مناطق مرکزی آسیا نیز یافت می شود. تنها در زمان های خاصی از سال، مثلا زمستان ها می توان مشک را از بدن این آهو به دست آورد. مشک که در اصل به صورت مایع است، در زمستان جامد می شود.)

2 الشَّرْشَفُ قِطْعَةٌ قُمَاشٍ تُوَضَعُ عَلَى الشَّرِيرِ. ✓  
ملافه ، تکه پارچه ای است که بر تخت گذاشته می شود. ✨

3 الْعَرَبُ يَنْطِقُونَ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ طَبَقَ أَصْلِهَا. ✗  
عرب ها کلمات وارد شده (وارداتی) را مطابق با اصلشان بر زبان می آورند. ✨

4 فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِثَالُ الْكَلِمَاتِ الْمُعْرَبَةِ ذَاتِ الْأُصُولِ الْفَارْسِيَّةِ. ✓  
در زبان عربی صدها کلمه ی عربی شده دارای ریشه ی فارسی وجود دارد. ✨

5 أَلْفُ الدُّكْتُورِ التُّونَجِيِّ كِتَابًا يَضُمُّ الْكَلِمَاتِ التُّرْكِيَّةَ الْمُعْرَبَةَ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ . ✗

دکتر تونجی کتابی تألیف کرد که کلمات ترکی عربی شده را در زبان عربی در بر می گرفت. ✨

ارسالی سرکار خانم رحیمی

### ◆ عَيْنُ الْعِبَارَةِ الْفَارِسِيَّةُ الْمُنَاسِبَةُ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ

- 1 تجرِي الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ .  
◆ بادها به آنچه (سمتی) که کشتی ها تمایل ندارند ؛ حرکت می کنند (می وزند)  
▲ بَرْد کشتی آنجا که خواهد خدای ، و گر جامه بر تن دَرَد ناخدای
- 2 أَلْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ .  
◆ (کسی که) از چشم دور است از قلب دور (می شود)  
▲ از دل برود هر آنکه از دیده برفت .
- 3 أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي .  
◆ خرمایم را خوردید و از فرمانم سرپیچی کردید.  
▲ نمک خورد و نمکدان شکست.
- 4 خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ .  
◆ بهترین سخن آنست که کم باشد و گویا باشد  
▲ کم گوی و گزیده گوی چون دَر ، تا زانک تو جهان شود پُر
- 5 أَلْصَبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ .  
◆ صبر کلید گشایش است .  
▲ گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
- 6 أَلْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ .  
◆ خیر و خوبی در آن چیزی است که اتفاق افتد (می افتد) .  
▲ هر چه پیش آید خوش آید.



ارسالی سرکار خانم صادقان

◆ اَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبِ الصُّورِ

1 بِمَ يَذْهَبُ الطُّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ ؟

◆ دانش آموزان با چه چیزی به مدرسه می روند ؟

▲ پاسخ کوتاه : بِالْحَافِلَةِ

▲ پاسخ کامل : يَذْهَبُ الطُّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِالْحَافِلَةِ

2 فِي أَيِّ بِلَادٍ تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ ؟

◆ ترجمه : این اهرام در کدام سرزمین واقع می باشد ؟

▲ پاسخ کوتاه : فِي مِصْرَ

▲ پاسخ کامل: تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ فِي مِصْرَ

3 كَيْفَ الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلَ فِي الشِّتَاءِ ؟

◆ ترجمه : در زمستان هوا در اردبیل چگونه است ؟

▲ پاسخ کوتاه : الْبَرْدُ

▲ پاسخ کامل : الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلَ بَرْدٌ فِي الشِّتَاءِ

4 لِمَنْ هَذَا التَّمْثَالُ ؟

◆ ترجمه : این تندیس برای کیست ؟

▲ پاسخ کوتاه : لِسَيبُوِيَه

▲ پاسخ کامل : هَذَا التَّمْثَالُ لِسَيبُوِيَه

5 هَلْ تَشَاهِدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ ؟

◆ ترجمه : آیا چهره ای در تصویر می بینی ؟

▲ پاسخ کوتاه : نَعَمْ

▲ پاسخ کامل : نَعَمْ أَشَاهِدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ

6 مَاذَا تَشَاهِدُ فَوْقَ النَّهْرِ ؟

◆ بالای (بر فراز) رودخانه چه می بینی ؟

▲ پاسخ کوتاه : الْبَيْتُ

▲ پاسخ کامل : أَشَاهِدُ فَوْقَ النَّهْرِ بَيْتًا

البراه توننه  
توشه ای برای موفقیت

#الدرس\_الرابع  
#عربی\_مشارک\_یا زدهم  
#التمرین\_الرابع (قسمت الف)

ارسالی خانم صادقان 

♦ الف : عین التَّزْجِمَةِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النُّكْرَةِ

1 سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا  
♦ ترجمه : صدای عجیبی را شنیدم

2 وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ  
♦ ترجمه : به روستا رسیدم.

3 نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي  
♦ ترجمه : نگاهى به گذشته

4 أَعْبَادُ الصَّالِحِينَ  
♦ بندگان درستکار

5 السَّوَارُ الْعَتِيقُ  
♦ ترجمه : دستبند کهنه

6 التَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ  
♦ ترجمه : تاریخ زرین

ایران توننه

ارسالی خانم صادقیان

♦ ب : تَرْجِمِ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكْرَةِ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النَّكْرَةَ فِي مَا أُشِيرَإِلَيْهِ بِحَظِّ

✓ سَجَلَتْ مُنْطَقَةَ الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسِ فِي قَائِمَةِ الثَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ  
♦ ترجمه : سازمان یونسکو مسجد امام و گنبد کاووس را در لیست میراث جهانی ثبت کرد.  
▲ قابوس : معرفه  
▲ الثراث : معرفه

✓ قَبْرُ كَوْرُوشِ يَجْذِبُ سَيَّاحًا مِنْ دَوْلِ الْعَالَمِ  
♦ ترجمه : قبر کوروش گردشگرانی از دولتهای دنیا را جذب می کند.  
▲ سَيَّاحًا : نکره

✓ حَدِيقَةُ شَاهِزَادَةِ قُرْبِ كَرْمَانَ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ  
♦ ترجمه : باغ شاهزاده نزدیک کرمان بهشتی در بیابان است.  
▲ جَنَّةٌ : نکره

✓ مَعْبَدٌ " كَرْدَكَلَا " فِي مُحَافِظَةِ مَازَنْدَرَانَ أَحَدُ الْآثَارِ الْقَدِيمَةِ  
♦ ترجمه : عبادتگاه " کردکلا " در استان مازندران یکی از آثار قدیمی است.  
▲ مازندران : معرفه

إِسْمُ الْفَاعِلِ	الْمَصْدَرُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي
المُؤَافِقُ	التَّؤَافِقُ	وَافِقٌ	يُؤَافِقُ	وَافَقَ
المُؤَوفِقُ	المُؤَافِقَةُ	وَفَّقٌ	يُؤَوفِقُ	
المُقَرَّبُ	التَّقَرُّبُ	قَرَّبٌ	يُقَرِّبُ	تَقَرَّبَ
المُتَقَرَّبُ	التَّقَرِيبُ	تَقَرَّبٌ	يَتَقَرَّبُ	
المُتَعَارِفُ	المُعَارَفَةُ	تَعَارَفٌ	يَتَعَرَّفُ	تَعَارَفَ
المُعَرِّفُ	التَّعَارُفُ	إِعْرَفٌ	يَتَعَارَفُ	
المُشْتَغِلُ	الإِنشِغَالُ	إِشْتَغَلٌ	يَشْتَغِلُ	إِشْتَغَلَ
المُنشَغِلُ	الإِشْتَغَالُ	إِنْشَغَلٌ	يَشْتَغِلُ	

إِسْمُ الْفَاعِلِ	الْمَصْدَرُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي
المُتَفَتِّحُ	الإِسْتِفْتَاحُ	إِنْفَتَحَ	يَفْتَتِحُ	إِنْفَتَحَ
المُنْفَتِّحُ	الإِنْفِتَاحُ	تَفَتَّحَ	يَنْفَتِحُ	
المُسْتَرْجِعُ	الإِرْتِجَاعُ	إِسْتَرْجِعُ	يَسْتَرْجِعُ	إِسْتَرْجَعَ
المُرْجِعُ	الإِسْتِرْجَاعُ	رَاجِعٌ	يَرْجِعُ	
المُنزَّلُ	النُّزُولُ	انزَلَ	يُنزِلُ	نَزَلَ
النَّازِلُ	التَّنْزِيلُ	نَزَلَ	يُنزِلُ	
الأَكْرَمُ	الإِكْرَامُ	أَكْرَمٌ	يُكْرِمُ	أَكْرَمَ
المُكْرِمُ	التَّكْرِيمُ	كَرَّمَ	يُكْرِمُ	

ارسالی سرکار خانم رحیمی

♦ ترجم الآيات ثم عین المطلوب منك

1 فاضبروا حتى يحكم الله بيننا ...

♦ ترجمه : صبر کنید تا خدا میان ما حکم کند ...

▲ إصبروا : فعل الأمر

2 يريدون أن يبدلوا كلام الله ...

♦ ترجمه : می خواهند که کلام خداوند را عوض کنند ...

▲ الله : مضاف اليه

3 ... ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج ...

♦ ترجمه : خداوند نمی خواهد (تا) برای شما سختی قرار دهد

▲ الله : فاعل

4 ... لكيلا تحزنوا على ما فاتكم ...

♦ ترجمه : برای اینکه بدانچه از دستتان رفته ، ناراحت نشوید

▲ فات : فعل ماضی

5 لن تنالوا البرَّ حتى تنفقوا مما تحبون ...

♦ ترجمه : به نیکوکاری دست نخواهید یافت تا زمانی که از آنچه دوست می

دارید ، انفاق کنید ...

▲ لن تنالوا ، حتى تنفقوا ، تحبون : فعل مضارع

## الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الصِّدْقُ

راستگویی

يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْمَعَاصِي وَالْعُيُوبِ، فَتَدِمَ عَلَى حِكَايَتِ مِي شُود كِه مَرْدِي پَر از گناهان و عيبيها بود، أَعْمَالِهِ السَّيِّئَةَ وَحَاوَلَ أَنْ يُصَلِّحَهَا، فَمَا اسْتَطَاعَ، فَذَهَبَ پَس پشيمان از اعمال بدش شد و سعی کرد که آنها را اصلاح کند، پس نتوانست،

إِلَى رَجُلٍ فَاضِلٍ صَالِحٍ، وَطَلَبَ مِنْهُ مَوْعِظَةً تَمْنَعُهُ عَنِ وَبِه سُوِي مَرْدِي بَا فَضِيلَتِ وَنِيكُو كَارِي رِفْت، وَ از او درخواست نصیحتی کرد،

از تِكَابِ الْمَعَاصِي، فَصَحَّحَهُ بِالتَّزَامِ الصِّدْقِ، وَأَخَذَ مِنْهُ كِه از انجام گناهان او را بازدارد، او را به پایبند شدن به راستگویی نصیحت کرد،

عَهْدًا عَلَى ذَلِكَ، فَكُلَّمَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَزْتَكِبَ ذَنْبًا،

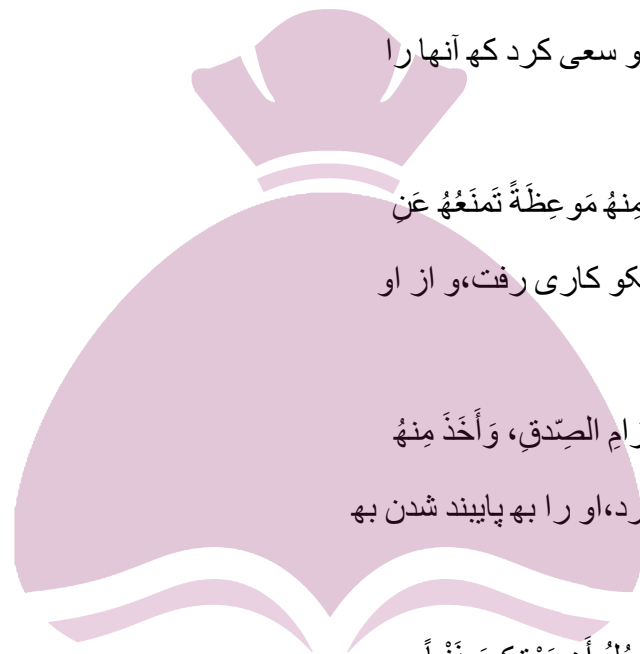
وَإِذَا قَالَ مِنْهُ، هَر كِه از او گرفت، هرگاه که مرد خواست گناهی مرتکب شود،

امْتَنَعَ عَنْهُ لَوْفَائِهِ بِالْعَهْدِ، حَتَّى لَا يَكْذِبَ عَلَى الرَّجُلِ

بِرَايِ پايبنديش به پيمان از اون خودداری می کرد، تا اينکه به مرد با فضیلت دروغ نگوید،

الْفَاضِلِ، وَبِمُرُورِ الْأَيَّامِ تَخَلَّصَ مِنْ شَرِّ ذُنُوبِهِ وَعُيُوبِهِ

لِالتَّزَامِ بِالصِّدْقِ.



ایران توننده

تجربیات برای موفقیت

و با گذر روزها از شرّ گناهانش و عیب هایش رها شد  
برای پایبندیش به راستگویی.

و يُحَكِّي أَنَّ شَابًا كَانَ كَذَابًا، وَفِي أَحَدِ الْأَيَّامِ كَانَ يَسْبُحُ  
فِي الْبَحْرِ وَتَظَاهَرَ بِالْغُرُقِ وَنَادَى أَصْحَابَهُ: النَّجْدَةَ، النَّجْدَةَ.

و حکایت می شود که جوانی دروغگو بود، در یکی از روزها  
در دریا شنا می کرد به غرق شدن و انمود کرد و دوستانش  
صدازد: کمک، کمک...

فَأَسْرَعَ أَصْحَابُهُ إِلَيْهِ لِيُنْقِذُوهُ، وَعِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَيْهِ

دوستانش به سوی او شتافتند تا او را نجات دهند،

هنگامیکه به او رسیدند به آنها خندید،

ضَحِكَ عَلَيْهِمْ: كَرَّرَ هَذَا الْعَمَلَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَفِي الْمَرَّةِ

الرَّابِعَةِ ارْتَفَعَ الْمَوْجُ وَكَادَ الشَّابُّ يَغْرُقُ،

این کار سه بار تکرار کرد، و در بار چهارم موج بالا آمد

و نزدیک بود جوان غرق شود،

فَأَخَذَ يُنَادِي أَصْحَابَهُ، وَلَكِنَّهُمْ ظَنُّوا أَنَّهُ يَكْذِبُ مِنْ جَدِيدٍ.

پس شروع کرد به صدا زدن دوستانش، اما آنها گمان

کردند که او دوباره دروغ می گوید.

فَلَمَّا يَلْتَفَتُوا إِلَيْهِ حَتَّى أَسْرَعَ إِلَيْهِ أَحَدُ النَّاسِ وَانْقَدَهُ،

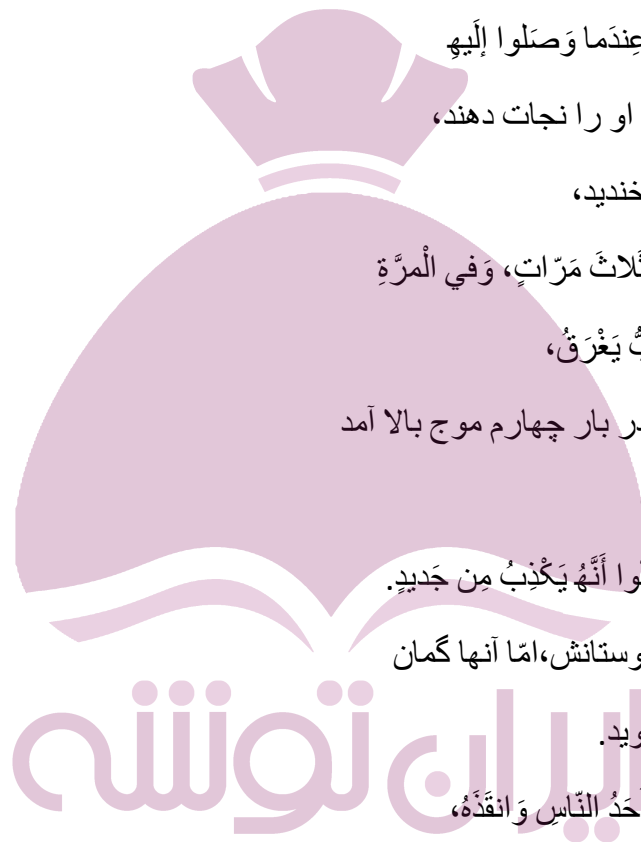
پس آنها به او توجه نکردند تا اینکه یکی از مردم به

سویش شتافت و نجاتش داد.

فَقَالَ الشَّابُّ لِأَصْدِقَائِهِ: "شَاهَدْتُ نَتِيجَةَ عَمَلِي، فَكِدْبِي

كَادَ يَقْتُلُنِي،

پس جوان به دوستانش گفت: "نتیجه کارم را مشاهده کردم،



ایران تونته

مشاوره ای برای موفقیت

دروغم نزدیک بود مرا بکشد،

فَلَنْ أَكْذِبَ بَعْدَ الْيَوْمِ أَبَدًا، وَمَا عَادَ هَذَا الشَّابُّ إِلَى الْكِذْبِ  
مَرَّةً أُخْرَى.

پس هرگز بعد از امروز دروغ نخواهم گفت، و این جوان  
دیگر به دروغ گفتن باز نگشت.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و با  
راستگویان باشید.

الصِّدْقُ مَعَ اللَّهِ يَتَجَلَّى بِإِخْلَاصِ الْأَعْمَالِ لَهُ؛ وَالصِّدْقُ

مَعَ النَّاسِ هُوَ أَنْ لَا تَكْذِبَ عَلَى الْأَخْرَيْنِ، وَقَالَ النَّبِيُّ (ص)

راستگویی با خداوند در خلوص و پاک بودن نیت اعمال

برای او نمایان می شود؛ و راستگویی با مردم و آنست که

بر دیگران دروغ نگوئیم،

و پیامبر (ص) فرمودند:

"كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا، هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ

وَأَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ

خیانت بزرگ است که به برادر خویش سخنی گوئی که

راستگویی بشمارد و تو دروغگو باشی.

وَقَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

"مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَصَفَحَاتِ

وَجْهِهِ."

"کسی چیزی را پنهان نکرد مگر اینکه و در لغزش های



زبان و همه جای چهره اش آشکار شد.

إِنَّ لَا يَسْتَطِيعُ الْكُذَّابُ أَنْ يُخْفِيَ أَوْ يُنْكِرَهُ.

مَا أَجْمَلَ كَلَامَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

"لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ

الْحَجِّ وَالْمَعْرُوفِ وَطَنُطُنَّتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ انظُرُوا

إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ."

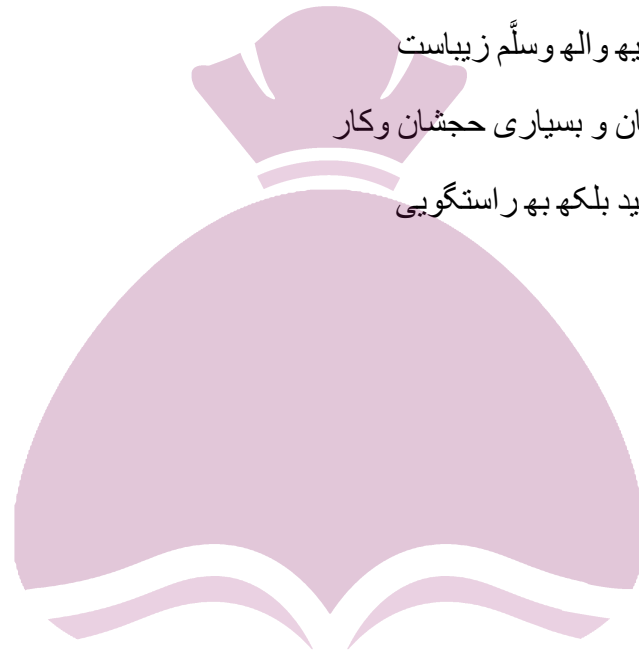
بنابر این دروغگو نمی تواند دروغش را پنهان یا مخفی کند.

چقدر سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زیباست

"به بسیاری نمازشان و روزشان و بسیاری حجتشان و کار


نیکو نیایششان در شب نگاه نکنید بلکه به راستگویی

و امانتداری نگاه کنید."




ایران تونس

توشه ای برای موفقیت


ارسالی خانم رحیمی 

♦ عَيْنَ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ الدَّرْسِ


1 حَاوَلَ الرَّجُلُ الْكَثِيرَ الْمَعَاصِيَ أَنْ يُصْلِحَ نَفْسَهُ فَلَمْ يَسْتَطِعْ فِي الْبِدَايَةِ .

♦ مرد بسیار گناهکار تلاش کرد که خودش را اصلاح کند ولی در آغاز نتوانست. 


2 ظَلَبَ الرَّجُلُ الْفَاضِلُ مِنَ الرَّجُلِ الْكَثِيرِ الْمَعَاصِيَ أَنْ يَلْتَزِمَ بِكُلِّ الْحَسَنَاتِ .

♦ مرد فاضل از مرد بسیار گناهکار خواست که به همه نیکی ها پایبند باشد. 


3 إِمْتَنَعَ الرَّجُلُ الْكَثِيرُ الْمَعَاصِيَ عَنِ الذُّنُوبِ لِوَفَائِهِ بِالْعَهْدِ .

♦ مرد بسیار گناهکار به خاطر وفای به عهدش از گناهان خودداری کرد. 

4 كَادَ الشَّابُّ الْكَذَّابُ يَغْرُقُ عِنْدَمَا كَذَبَ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ .

♦ جوان بسیار دروغگو نزدیک بود غرق شود هنگامی که برای بار دوم دروغ گفت. 

5 يَظْهَرُ الْكِذْبُ فِي فَلَاتِ اللِّسَانِ وَ صَفْحَاتِ الْوَجْهِ .

♦ دروغ در لغزشهای زبان و همه جای چهره آشکار می شود. 

#عربي\_انساني\_يازدهم

#اختبرنفسك

#الدرس\_الخامس

ارسالی خانم رسولی

◆ الف : تَرْجِمْ هذه العبارة حسب قواعد الدرس ، ثم عَيِّنْ نوع الأفعال :

◆ اللهم إني أعوذُ بك من نَفْسٍ لا تُشْبِعُ و من قلبٍ لا يَخْشَعُ و من عِلْمٍ لا يَنْفَعُ و من صلاةٍ لا تُرْفَعُ و من دُعَاءٍ لا يُسْمَعُ :

◆ ترجمه : پروردگارا ! همانا من به تو پناه می برم از نفسی که سیر نشود و قلبی که فروتنی نکند و علمی که سود نرساند و نمازی که بالا برده نشود (ارتقاء نیابد) و دعایی که شنیده نشود !

▲ أعوذُ : فعل مضارع

▲ لا تُشْبِعُ : فعل مضارع منفي

▲ لا يَخْشَعُ : فعل مضارع منفي

▲ لا يَنْفَعُ : فعل مضارع منفي

▲ لا تُرْفَعُ : فعل مضارع منفي و مجهول

▲ لا يُسْمَعُ : فعل مضارع منفي و مجهول

◆ ب : مَيِّزِ الأفعال المتعدية من : يَهْدِي ، كَفَرُوا ، قَرَأْتُ ، جَلَسْنَا :

1 يَهْدِي : هدايت مي كند : متعدي

2 كَفَرُوا : كافر شدند : لازم

3 قَرَأْتُ : خواندم : متعدي

4 جَلَسْنَا : نشستيم : لازم


(شراء شريحة الهاتف الجوال)

(خرید سیم کارت موبایل)

موظف الاتصالات کارمند مخابرات	الزائرة زائر
تفضلتي، و هل تريد بطاقة الشحن؟ بفرما ، و آیا کارت شارژ را می خواهی؟	رجاء، أعطني شريحة الجوال. لطفاً ، سیم کارت همراه به من بده.
تستطيعين أن تشحنين رصيد جوالك عبر الإنترنت . می توانی که موجودی شارژ موبایلت را از طریق اینترنت شارژ کنی .	نعم ؛ من فضلك أعطني بطاقة بمبلغ خمسة و عشرين ريالاً بله ؛ لطفاً يك کارت به مبلغ ۲۵ ريال به من بده.
الزائرة تريد أن تتصل ولكن لا يعمل الشحن ، فتذهب عند موظف الاتصالات و تقول له ُ: زائر می خواهد که تماس بگیرد اما شارژ کار (عمل) نمی کند پس پیش کارمند مخابرات می رود و به او می گوید:	
أعطيني البطاقة من فضلك لطفاً کارت را به من بده . سامحيني ؛ أنت على الحق . أبذل لك البطاقة . مرا ببخش ، حق با شماست . کارت را برای شما عوض می کنم .	عفواً ، في بطاقة الشحن إشكال . ببخشید ، در کارت شارژ اشکالی هست .

ایران تونل

توشه ای برای موفقیت

ارسالي از خانم رسولي 

◆ أيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مَعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ :

1 ما كَانَ يَعْرِفُ السَّبَاحَةَ ، فَصَرَخَ النَّجْدَةَ ، النَّجْدَةَ :

◆ ترجمه : شنا کردن نمی دانست پس فریاد زد : کمک ، کمک

▲ كَادَ يَغْرُقُ ▲

2 أَخْفَى شَيْئاً وَ جَعَلَهُ بَعِيداً عَنِ الْأَنْظَارِ :

◆ ترجمه : چیزی را مخفی کرد و آنرا از دیدگان دور قرار داد ( دور کرد ) :

▲ أَضْمَرَ ▲

3 حَسَبَهُ كَذِباً وَ مَا قَبْلَهُ :

◆ ترجمه : آنرا دروغ پنداشت و آنرا نپذیرفت :

▲ أَنْكَرَ ▲

4 عَمِلَ عَمَلًا عِدَّةَ مَرَّاتٍ :

◆ ترجمه : کاری را چند بار انجام داد :

▲ كَرَّرَ ▲

5 أَصْبَحَ كَبِيْرًا :

◆ ترجمه : بزرگ شد

▲ كَبُرَ ▲

ایران توننه

توشه ای برای موفقیت

ارسالی سرکار خانم آقای

♦ ترجم الأحدث ثم عین المطلوب منك

1 لا تَغْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَ لَا بِصِيَامِهِمْ ... وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ  
أداء الأمانة

♦ ترجمه :

با نماز و روزه شان فریب نخورید و اما آنها را هنگام راستگویی و امانت داری  
بیازمایید .

▲ فعل امر : اختبروا

▲ فعل نهي : لا تغتروا

2 لا تَسْتَشِرِ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ .  
♦ ترجمه :

با دروغگو (بسیار دروغگو) مشورت نکن زیرا او مانند سراب است ، دور را به  
تو نزدیک می سازد و نزدیک را به تو دور می سازد .

▲ اسم المبالغة : الكذاب

3 يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصَدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِاِحْتِيَالِهِ .  
♦ ترجمه :

راستگو با راستیش به آن چیزی می رسد که دروغگو با فریبکاریش به آن نمی  
رسد .

▲ الفاعل : الصادق ، الكاذب

پیران نوشته  
نوشته ای برای موفقیت

4 لا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ .  
♦ ترجمه :

با همه آنچه که شنیدیش با مردم سخن نگو .

▲ فعل النهي : لا تحدث


التمرین الثالث: عین الکلفة الغریبة فی کلّ مجموعة مع بیان السبب .

السبب					
1	الفنون :هنرها	الخُذ : گونه	القم :دهان	اللسان : زبان	سه گزینه ی دیگر اعضای صورت هست
2	قشر : پوست	لُب : هسته ، مغز	نوی :تصمیم گرفت	غاز : گاز	سه گزینه ی دیگر اسم هست
3	الثعلب : روباه	الكلب : سگ	الفرح :تکبر و خودپسندی	الجمار : الاغ	سه گزینه ی دیگر اسم حیوان هست
4	اليمين : راست	الظنان : مرغ مگس	الشمال :چپ	الامام : روبرو ، جلو	سه گزینه ی دیگر جهت هستند
5	الصلاة : نماز	الشريحة : سیم کارت	الزصيد : شارژ	الجوال : تلفن همراه	سه گزینه ی دیگر مربوط به تلفن همراه هست
6	الأجبة : دوستان	الأصدقاء : دوستان	الأصحاب : یاران	الإضاعة : تباه کردن	سه گزینه ی دیگر جمع مکسر هستند

ایران تونل

توشه ای برای موفقیت

#الدرس\_الخامس  
#عربی\_انسانی\_یازدهم  
#التمرین\_الرابع (قسمت اول)

ارسالی سرکار خانم رحیمی 

♦ ترجم الجمل التالية ثم عین المطلوب منك .

1 سافرت إلى قرية شاهدت صورتها أيام صغري.  
➡ (المجرور بحرف جرّ و المفعول)

♦ به روستایی مسافرت کردم که تصویرش را در روزگار بچگی ام دیده بودم (دیدم) .

▲ قرية : مجرور به حرف جر

▲ صورة : مفعول

2 عصفت رياح شديدة حرت بيتاً جنب شاطئ البحر.  
➡ (الصفة و المضاف إليه)

♦ بادهای شدیدی وزید که یک خانه را درکنار ساحل دریا ویران کرد .

▲ شديدة : صفت

▲ شاطئ : مضاف اليه

▲ البحر : مضاف اليه

3 و جدت برنامجاً يساعدني على تعلم العربية.  
➡ (المفعول و المضاف إليه)

♦ برنامه ای را پیدا کردم که مرا در یادگیری عربی کمک می کرد.

▲ برنامجاً : مفعول

▲ «ی» در يساعدني : مفعول

▲ العربية : مضاف اليه



#الدرس\_الخامس  
#عربی\_انسانی\_یازدهم  
#التمرین\_الرابع (قسمت دوم)

ارسالی سرکار خانم رحیمی

4 أَلِكِتَابُ صَدِيقٌ يُنْقِذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ.  
(الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)

◆ کتاب دوستی است که تو را از گرفتاری نادانی نجات می دهد .  
▲ الْكِتَابُ : مبتدا  
▲ صَدِيقٌ : خبر

5 يُعْجِبُنِي عَيْدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ.  
(الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ ، وَ نَوْنُ الْوَقَايَةِ)

◆ از عیدی خوشم می آید (عیدی مرا شگفت زده می کند) که در آن  
بینوایان خوشحال شوند.  
▲ (فقرا جمع مکسر)  
▲ مفرد آن فقير  
▲ يُعْجِبُ ( فعل ) + ن (نون وقایه) + ی (مفعول)

12:44

#عربی\_انسانی\_یازدهم  
#التمرین\_الرابع (قسمت سوم)  
#الدرس\_الخامس

ارسالی از خانم رحیمی

◆ ب : عَيْنُ الْفِعْلِ الْمُتَعَدِّي مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ الَّتِي جَاءَتْ فِي الْجُمْلِ السَّابِقَةِ :

1 سَافَرْتُ : مسافرت کردم : لازم

2 شَاهَدْتُ : مشاهده کردم : متعدی

3 غَضَبْتُ : وزید : لازم

4 حَزَبْتُ : ویران کرد : متعدی

ویرایش شده 22:30

♦ أکثب خمس عبارات بالعربية حول آداب الكلام :

- 1 الكلام يَجْزُ الكلام  
ترجمه : حرف حرف می آورد.
- 2 خَيْرُ الكلام ما قَلَّ و دَلَّ  
ترجمه : بهترین سخن آن است که کم باشد ولی راهنما باشد.
- 3 سكوت اللسان سلامة الإنسان  
ترجمه : خاموشی زبان سلامتی انسان است
- 4 الكلام مثل الدواء ، قليله ينفع و كثيره قاتل  
ترجمه : سخن مثل داروست اندکش سود می رساند و زیادش کشنده است
- 5 مَنْ عَدَبَ لسانه كَثُرَ إخوانه  
ترجمه : هر که زبانش خوش و شیرین باشد برادرانش زیاد شود
- 6 إذا تمَّ العقل نقض الكلام  
ترجمه : هرگاه عقل کامل شود سخن کم می گردد
- 7 المؤمن قليل الكلام كثير العمل  
ترجمه : فرد مؤمن کم سخن می گوید(کم حرف است) و زیاد عمل می کنند
- 8 أكثر خطايا ابن آدم في لسانه  
ترجمه : بیشتر اشتباهات فرزند آدم در زبانش است
- 9 السكوت ذهب و الكلام فضة  
ترجمه : سکوت طلاست و سخن گفتن نقره است
- 10 زُبَّ كلام كالخسام  
ترجمه : چه بسا کلامی (در برندگی) همچون شمشیر است

ایران توشه

توشه ای برای موفقیت

# الدَّرْسُ السَّادِسُ

## ارْحَمُوا ثَلَاثَةً

به سه تا رحم کنید

أَسْرَ الْمُسْلِمُونَ فِي غَزْوَةِ طَيْءٍ "سَفَانَةَ" ابْنَةَ حَاتِمِ الطَّائِي "الَّذِي يُضْرَبُ بِهِ الْمَثَلُ فِي الْكَرَمِ،  
مسلمانان در جنگ طيء "سفانة" دختر "حاتم طائي" اسير کردند کسی که در بخشش به او مثل زده می شود.

وَلَمَّا ذَهَبَتْ مَعَ الْأَسْرَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، قَالَتْ لَهُ: إِنَّ أَبِي كَانَ سَيِّدَ قَوْمِهِ،

وهنگامیکه همراه با اسیران پیش فرستاده خدا (ص) رفت به او گفت: پدرم سرور قومش بود،

يَفْكُ الْأَسِيرَ وَيَحْفَظُ الْجَارَ وَيَحْمِي الْأَهْلَ وَالْعِرْضَ وَيُفْرِجُ عَنِ الْمَكْرُوبِ، وَيَنْشُرُ السَّلَامَ، وَيُعِينُ الضَّعِيفَ

عَلَى شِدَائِدِ الدَّهْرِ،

اسیر را آزاد و همسایه ها را نگهداری می کرد. و از خانواده و ناموس حمایت می کرد و اندوه و غم غمگین را می

زدود (برطرف می کرد)، و درمانده را اطعام می داد، و امنیت (را منتشر می کرد و ناتوان در سختیهای

روزگار یاری می کرد،

وَمَا أَتَاهُ أَحَدٌ فِي حَاجَةٍ فَرَدَّهُ خَائِبًا، أَنَا ابْنَةُ حَاتِمِ الطَّائِي، هِيَ كَسْ نَزْدِ أَوْ بَا خَوَاسِثِهَا أَيْ نِيَامِدْ كَهْ أَوْ رَا نَا مِيدْ

برگرداند، من دختر حاتم طائي هستم.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: "هَذِهِ صِفَاتُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا: أَنْ تَرْكُوهَا فَإِنَّ أَبَاهَا كَانَ يُحِبُّ مَكَارِمَ

الْأَخْلَاقِ؛ وَاللَّهُ

# ایران تونش

يُحِبُّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. "ثُمَّ قَالَ:

پس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند "بهر راستی این ویژگیها مؤمنان است؛ او را رها کنید زیرا پدرش

خوی های نیک (اخلاق پسندیده) دوست داشت؛ و خداوند اخلاق پسندیده را دوست دارد." سپس فرمودند:

ارْحَمُوا عَزِيزًا ذَلَّ ، وَغَنِيًّا افْتَقَرَ ، وَعَالِمًا ضَاعَ بَيْنَ جِهَالٍ .

"رحم کنید به بزرگواری که خوار شد، و ثروتمندی ندار شد، و دانایی میان نادان ها تباه شد."

فَلَمَّا أَطْلَقَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَجَعَتْ إِلَى أَخِيهَا "عَدِي" وَهُوَ رَنِيْسُ قَوْمِهِ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهِ، فَقَالَتْ لَهُ: يَا

أَخِي،

پس هنگامیکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم او را آزاد کرد به سوی

برادرش عَدِيّ که او بعد از وفات پدرش رئیس قبیله‌ش بود بازگشت پس به او گفت: برادرم، انی رأیت خِصَالاً مِنْ هَذَا الرَّجُلِ تُعْجِبُنِي، رَأَيْتُهُ يُحِبُّ الْفَقِيرَ، وَيَفْكُ

من در این مرد ویژگی‌هایی را دیدم مرا شگفت زده می‌کند، او را دیدم که نیازمند را دوست می‌دارد، الْأَسِيرَ، وَيَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَيَعْرِفُ قَدْرَ الْكَبِيرِ، وَمَا رَأَيْتُ اسِيرًا رَأَى رَجُلًا يَرْحَمُهُ، وَارْزَى بزرگ را می‌داند،

أَجُودَ وَلَا أَكْرَمَ مِنْهُ، فَإِذَا يَكُونُ نَبِيًّا فَلِلْسَابِقِ فَضْلُهُ، وَإِذَا وَجُوهُرًا تَرَى وَكَرَامًا تَرَى تَرَى مِنْهُ، وَإِذَا يَكُونُ نَبِيًّا فَلِلْسَابِقِ فَضْلُهُ، وَإِذَا وَجُوهُرًا تَرَى وَكَرَامًا تَرَى تَرَى مِنْهُ، سبقت گیرنده دارای فضیلت است،

يَكُونُ مَلِكًا فَلَا تَرَالُ فِي عَزِّ مُلْكِهِ. فَجَاءَ عَدِيّ إِلَى وَآكَرٍ پادشاه است که پیوسته در ارجمندی پادشاهی او هستی. رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْهِ وَسَلَّمَ فَأَسْلَمَ وَأَسْلَمَتْ سَقَانَةُ.

پس عَدِيّ به سوی فرستاده خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْهِ وَسَلَّمَ آمد اسلام آورد و سَقَانَةُ نیز اسلام آورد.

وَأَسْلَمَتْ قَبِيلَهُ طِيَّءَ كُلُّهَا بَعْدَ مَا أَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْهِ وَسَلَّمَ بِاطْلَاقِ أَسْرَاهُمْ.

و همه قبیله‌ی طِيَّءَ بعد از اینکه پیامبر دستور آزادی اسیرانشان داد اسلام آوردند.

الدَّقْتَرُ الْخَامِسُ مِنَ الْمُتَنَوِّيِّ لِمَوْلَانَا جَلَالِ الدِّينِ الرَّومِيِّ "دَفْتَر پنجم از مثنوی معنوی برای "مولانا جلال الدین الرومی"

گفت پیغمبر که رحم آرید بر جان من کان غَنِيًّا فَافْتَقَر

وَالَّذِي كَانَ عَزِيْزًا فَافْتَقَرَ أَوْ صَفِيًّا عَالِمًا بَيْنَ الْمُضَرِّ

و کسی که ارجمند و بزرگوار بود پس خوار شد و یا برگزیده دانایی در بین قبیله "مُضَرِّ" گفت پیغمبر که با این سه گروه رحم آرید ارزسنگیدوزکوه آنکه او بعد از زنیسی خوارشده توانگر هم که بی دینارشده توان سوم آن عالمی گاندر جهان مبتلا کرد میان ابلهان

توشه ای برای موفقیت

ارسالی سرکار خانم کوهی

◆ عَيْنَ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأُ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ :

1 قَالَ عَدِيُّ يَا أُخْتِي إِنِّي رَأَيْتُ خِصَالاً مِنْ هَذَا الرَّجُلِ تُعْجِبُنِي .  
◆ ترجمه : عدی گفت ای خواهرم همانا من ویژگیهایی از این مرد دیدم  
که مرا شگفت زده کرد . ❌

2 فَلَمَّا أَطْلَقَ النَّبِيُّ (ص) سَفَانَةَ ، عَادَتْ إِلَى أُخِيهَا .  
◆ ترجمه : پس هنگامی که پیامبر سفانۀ را رها کرد به سوی برادرش  
بازگشت . ✓

3 كَانَ حَاتِمٌ يَرُدُّ مَنْ أَتَاهُ فِي حَاجَةٍ خَائِباً .  
◆ ترجمه : حاتم کسی را که از سر نیاز نزد وی آمده بود با ناامیدی بر  
می گرداند . ❌

4 حَاتِمٌ طَائِيٌّ مَعْرُوفٌ بِالْكَرَمِ .  
◆ ترجمه : حاتم طائی معروف به بخشش است . ✓

5 أُسِرَتْ سَفَانَةُ فِي غَزْوَةِ أَحَدٍ .  
◆ ترجمه : سفانۀ در جنگ احد اسیر شد . ❌

◆ تَزَجِمِ الْآيَاتِينَ وَ الْحَدِيثَ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الدَّرْسِ .

✳ ارسالی سرکار خانم میرزایی

● (۱) لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا. التوبة ۴۰  
◆ اندوه‌گین (غمگین) نباش مسلماً خدا با ماست .

● (۲) إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ . الرعد ۱۱  
◆ یقیناً خداوند (سرنوشت) قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنچه را که در خودشان است ، تغییر دهند.

● (۳) لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. الإمام  
علي (ع)  
◆ ستم نکن همان طوری که دوست نداری مورد ستم واقع شوی . به دیگران  
نیکی کن ، همانطوری که دوست داری که به تو نیکی شود .

13:14

#الدرس\_السادس  
#عربی\_إنسانی\_یازدهم  
#اختبرنفسک۲

ارسالی سرکار خانم میرزایی ✨

♦ ترجم العبارات التالية حسب القواعد .

● (١) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. الفاتحة (٢) ♦  
حمد و سپاس برای خداست که پروردگار جهانیان است.

● (٢) بُعِثَ النَّبِيُّ (ص) لِيَهْدِيَ النَّاسَ. ♦  
پیامبر برانگیخته شد (مبعوث شد) تا مردم را هدایت کند.

● (٣) لِنَسْتَمِعْ إِلَى كَلَامِ الْحَقِّ . ♦  
باید به سخن حق گوش کنیم

● (٤) لِمَنْ هَذِهِ الْجَوَازَاتُ ؟ ♦  
این گذرنامه ها مال کیست ؟

13:46

ایران نوننه

توشه ای برای موفقیت

ارسالی سرکار خانم کوهی 🌱

● ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ :

1 الذي لا رجاء له للنجاح في هدفه .  
♦ ترجمه : کسی که برای موفقیت در هدفش هیچ امیدی ندارد .  
خائب 📣

2 أصبح فقيراً ولا ثروة له .  
♦ ترجمه : فقیر شد و هیچ ثروتی ندارد .  
افتقر 📣

3 الذي حزنه كثير .  
♦ ترجمه : کسی که اندوهش بسیار است .  
مکروب 📣

4 الأسرة و الأقرباء .  
♦ ترجمه : خانواده و خویشاوندان  
أهل 📣

5 أعطاه الطعام .  
♦ ترجمه : اورا غذا داد  
يُطْعِمُ 📣

ایران توننه


توشه ای برای موفقیت



ارسالی : سرکار خانم گوهر رستمی

♦ اَکْمَلْ تَرْجُمَةَ الْآيَاتِ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ :

- 1  لينفق ذوسعة من سعته .  
♦ توانمند از توانمندی خودش باید انفاق کند یا ببخشد .  
 مجرور به حرف جر : من سعة
- 2  ولا يخزئك قولهم إن العزة لله جميعاً .  
♦ سخنشان تورا غمگین و ناراحت نکند ، زیرا ارجمندی همه از آن خداست .  
 الفاعل : قول
- 3  و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه .  
♦ و از آنچه که نام خدا بر آن ذکر نشده است ، نخورید .  
 نائب الفاعل : اسم  
 المضاف اليه : الله
- 4  أَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا ...  
♦ آیا مگر به آسمان بالای سرشان نگاه نکردند که چگونه آن را ساختیم ؟  
 الفعل المضارع و صيغته : لَمْ يَنْظُرُوا / لِلْغَائِبِينَ
- 5  أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ ...  
♦ آیا ندانستند که تنها خداست که از بندگان توبه را می پذیرد ؟  
 الجار و المجرور : عَنْ عِبَادِهِ
- 6  وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَ لَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ ...  
♦ کسانی که به خدا و فرستادگانش ایمان آوردند و میان هیچ یک از آنان فرق نگذاشتند (خدا) مزدهایشان را به آنها خواهد داد .  
 المفعول : أَجْرَهُمْ

ارسالی سرکارخانم قیصری 

♦ اقرأ الآيات التالية ثم انتخب الترجمة الصحيحة .

- 1 ... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (آل عمران ١٢٢)
- الف) مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند . ✓  
ب) مؤمنان فقط به خدا توکل می کنند .
- 2 قالت الأعرابُ آمنا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا ... (الحجرات ١٢٢)
- بادیه نشینان گفتند :  
الف) ... «ایمان می آوریم» بگو : «ایمان نمی آورید ؛ بلکه بگویید : در سلامت می مانیم»
- ب) ... «ایمان آوردیم» بگو : «ایمان نیاورده اید ؛ بلکه بگویید ، اسلام آوردیم» ✓
- 3 أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ . (الزمر ٥٢)
- الف) آیا ندانسته اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد ، می گستراند ؟ ✓  
ب) آیا نمی دانند که خدا روزی را برای هر کس بخواهد ، فراوان می کند ؟
- 4 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - اللَّهُ الصَّمَدُ - لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ - وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (سورة الإخلاص)
- بگو : او خداوند یکتاست ، خدا بی نیاز است ...  
الف) ... نمی زاید و زاده نمی شود و کسی همانندش نیست .
- ب) ... نه زاده و نه زاده شده است و کسی برایش همتا نبوده است . ✓
- 5 ... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ - الَّذِي أَطْمَعَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ . (سورة قريش)
- پس پروردگار این خانه را شبیه ای برای موفقیّت  
الف) ... می پرستند ؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس (دشمن) در امان نهاد .
- ب) ... باید بپرستند ، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم (دشمن) ایمنشان کرد . ✓

ارسالی سرکار خانم کوهی 🍀

▲ ترجم الجمل حسب قواعد الدرس ، ثم عین صیغة الأفعال فيها :

1 لا تَرْجِعْ إلى بَيْتِكَ .

👉 لا تَرْجِعْ : باز نگرد ، دوم شخص مفرد (أنت)

◆ ترجمه : به طرف خانه ات باز نگرد

2 لم يَرْجِعْ صَدِيقِي .

👉 لم يَرْجِعْ : باز نگشته است ، سوم شخص مفرد (هو)

◆ ترجمه : دوستم باز نگشته است .

3 أَخَوَاتِي لَمْ يَرْجِعْنَ

👉 لم يَرْجِعْنَ : باز نگشته اند ، سوم شخص جمع (هن)

◆ ترجمه : خواهرانم باز نگشته اند .

4 لا يَرْجِعْ صَدِيقِي

👉 لا يَرْجِعْ : باز نگرود ، سوم شخص مفرد (هو)

◆ ترجمه : دوستم باز نگرود (نباید باز گردد)

5 أُخْتِي لا تَرْجِعْ .

👉 لا تَرْجِعْ : باز نمی گردد ، سوم شخص مفرد (هی)

◆ ترجمه : خواهرم باز نمی گردد ای برای موفقیت

تمرین پنجم درس ششم ، عربی یازدهم انسانی

ارسالی - آقای سکاکی

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: اِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ .

- 1- أنا .. لَمْ أُسَافِرْ .. فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَتَيْنِ .  
من در دو سال گذشته مسافرت نکرده ام .  
لَنْ أُسَافِرَ ( مسافرت نخواهم کرد )      لَمْ أُسَافِرْ ( تا مسافرت کنم )
- 2- عَلَيْكَ بِالمُحَاوَلَةِ ، وَ .. لَا تَيْأَسْ .. فِي حَيَاتِكَ .  
( تو ) باید تلاش کنی و در زندگیت نا امید مشو .  
أَنْ تَيْأَسَ ( که نا امید شوی )      كَيْ تَيْأَسَ ( تا نا امید شوی )
- 3- أُرِيدُ .. أَنْ أَذْهَبَ .. إِلَى سُوْقِ الحَقَائِبِ .  
می خواهم که به بازار چمدان ها ( کیف ها ) بروم .  
أَنْ أَذْهَبَ ( نرفتم )      لَمْ أَذْهَبْ ( اگر بروم )
- 4- هُوَ .. لَنْ يَرْجِعَ .. إِلَى المَلْعَبِ غَدًا .  
( او ) فردا به زمین بازی ( ورزشگاه ) بر نخواهد گشت .  
لَنْ يَرْجِعَ ( بر نگشت )      مَا رَجَعَ ( بر نگشت )
- 5- مَنْ .. يَجْتَهِدُ .. يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ .  
( هر کس تلاش کند در کارهایش موفق می شود . )  
لَا يَجْتَهِدُ ( تلاش نمی کند )      لَا يَجْتَهِدُ ( تلاش نکند )

ایران نوشته

توشه ای برای موفقیت

#الدرس\_السادس  
#عربی\_انسانی\_یازدهم  
#التمرین\_السادس (قسمت اول)

ارسالی سرکار خانم رسولی 🌱

♦ عین البيت الفارسي الذي يرتبط بالحديث في المعنى :

1 المؤمن قليل الكلام كثير العمل :

♦ ترجمه : مؤمن کم حرف (کم سخن) و پرکار است.

مصرع اول ➡ کم گوی و گزیده گوی چون ذر  
مصرع دوم ➡ تا ز اندک تو جهان شود پُر  
♦ ( نظامی گنجوی )

2 العالم بلا عمل كالشجر بلا ثمر :

♦ ترجمه : دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

مصرع اول ➡ علم کز اعمال نشانش نیست  
مصرع دوم ➡ کالبدی دارد و جاننش نیست  
♦ (امیر خسرو دهلوی)

3 أمرني رَبِّي بِمُداراةِ الناسِ كما أمرني بأداءِ الفرائضِ :

♦ ترجمه: پروردگام مرا به مدارا کردن با مردم فرمان داد همانگونه که مرا به انجام واجبات (دینی) فرمان داد.

مصرع اول ➡ آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است  
مصرع دوم ➡ با دوستان مروّت با دشمنان مدارا  
♦ ( حافظ )

توشیه عربی ای موفقیّت

#الدرس\_السادس  
#عربی\_انسانی\_یازدهم  
#التمرین\_السادس (قسمت دوم)

ارسالی سرکار خانم رسولی 🌱

4 عداوة العاقل خیرٌ من صداقة الجاهل :  
◆ ترجمه : دشمنی عاقل بهتر از دوستی فرد نادان است.

مصرع اول ➡ دشمن دانا که غم جان بُود  
مصرع دوم ➡ بهتر از آن دوست که نادان بُود  
◆ ( نظامی گنجوی )

5 الذّهٰی یومان ، یومٌ لك و یومٌ علیك :  
◆ ترجمه : روزگار دو روز است ، یک روز به سود تو (باتو) و یک روز به زیان تو

مصرع اول ➡ روزگارست آن که گه عزت دهد گه خوار دارد  
مصرع دوم ➡ چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد  
◆ (قائم مقام فراهانی)

6 خیرُ الأمورِ أوسطها :  
◆ ترجمه : بهترین کارها میانه ترین آنهاست (میانه روی)

مصرع اول ➡ اندازه نگهدار که اندازه نکوست و فقیهیت  
مصرع دوم ➡ هم لایق دشمن است و هم لایق دوست  
◆ (سعدی)

10:04

## ترجمه البحث العلمی

این مقاله را خیلی خوب بخوان و سپس درباره یکی از دانشمندان ایرانی و عرب مثل همین بنویس .  
شاعر احمد رامی شاعری مصری با اصلیت ترک ؛ در محله سیده زینب در قاهره به دنیا آمد .  
از مدرسه معلمین فارغ التحصیل شد و در رشته کتابداری و اسناد از دانشگاه سوربون مدرک گرفت .  
زبان فارسی را در فرانسه خواند و رباعیات خیام نیشابوری را ترجمه کرد .

حکیم همرخام نیشابوری :

آمد سحری ندا ز میخانه ما  
برخیز که پرکنیم پیمانہ ز می  
کای رند خراباتی دیوانه ما  
زان پیش که پر کنند پیمانہ ما

ترجمه احمد رامی :

صدایی را که صاحبش دیده نمی شد را شنیدم  
با صدایی طرب انگیز و خوش صدا می زد : ای انسانهایی که به خوابی سبک فرو رفته اید  
بیدار شوید و جام ارزوها را پر کنید قبل از اینکه دست سرنوشت جام عمرتان را پر کند

## الدَّرْس السَّابِعُ

### لَا تَقْتَوُوا

نا امید نشوید

"مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ وَجَدَ". رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

"هر کس چیزی را بخواهد و بکوشد می یابد." فرستاده خدا ص

لا مُشْكِلَةَ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيمَةِ الشَّخْصِ الَّذِي يَتَوَكَّلُ عَلَى

هیچ مشکلی نیست که قادر به شکست انسانی که بر خدا

توکل می کند

لِلَّهِ وَيَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ وَ قُدْرَاتِهِ.

و بر خودش و تواناییهایش تکیه می کند.

كثيرٌ من الناجحين أثاروا إعجاب الآخرين؛ مع أنهم كانوا  
بسيارى از افراد موفق موجب شگفتى ديگرانند(شگفتى  
ديگران را بر مى انگيزند);

مُعَوِّقِينَ أَوْ فُقَرَاءَ أَوْ كَانُوا يُوَاجِهُونَ مَشَاكِلَ كَثِيرَةً فِي  
حَيَاتِهِمْ، وَ مِنْ هَؤُلَاءِ:

با وجود اينكه آنها معلول ويا فقير بودند ويا با مشكلات  
بسيارى در زندگيشان بوده اند، از جمله:

الْأُسْتَاذُ مَهْدِيٌّ آذْرِيْزِيٌّ وَ هُوَ أَشْهَرُ كَاتِبِ لِقِصَصِ  
الْأَطْفَالِ، فِي السَّنَةِ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمُرِهِ كَانَ عَامِلًا بَسِيطًا،

استاد مهدى آذريزى او از مشهورترين نويسندهءداستانهاى  
كودكان، در سنّ بيست سالگى كارگرى ساده بود،

ثُمَّ صَارَ بَانِعَ الْكُتُبِ، وَلَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي حَيَاتِهِ.

سپس كتاب فروش شد، ودر زندگيش به مدرسه نرفته بود.

هَلَنْ كَبِيرٌ عِنْدَمَا بَلَغَتْ مِنَ الْعُمُرِ تِسْعَةَ عَشْرَ

شَهْرًا، أُصِيبَتْ بِحُمَى صَيَّرَتْهَا طِفْلَةً عَمِيَاءَ صَمَاءَ بَكْمَاءَ;

هَلَنْ كَلِرْ هِنْگَامِيْكَهْ بَهْ نُوْزْدَهْ مَاهِگِيْ رَسِيْدِ دِجَارْتَبِيْ شَدَ، كَهْ

او را از كودكى نابينا ناشنوا ولال گردانيد;

فَأَرْسَلَهَا وَالِدُهَا إِلَى مُؤَسَّسَةِ اجْتِمَاعِيَّةٍ لِلْمُعَوِّقِينَ.

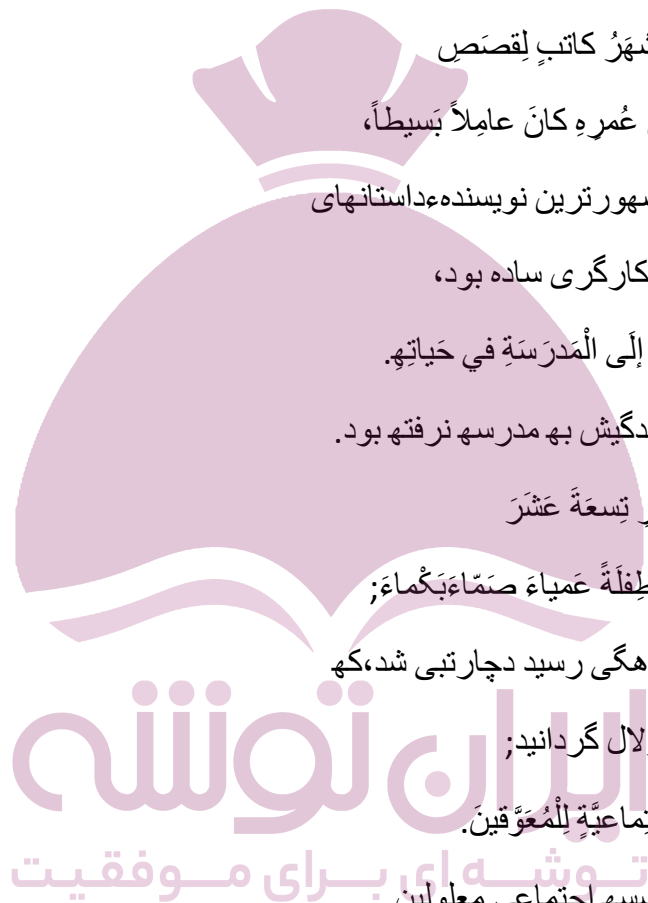
پس پدر و مادرش او را به مؤسسه اجتماعى معلولين

فرستادند.

اسْتَطَاعَتْ مُعَلِّمَةٌ "هَيْلِين" أَنْ تُعَلِّمَهَا حُرُوفَ الْهَجَاءِ عَنْ

طَرِيقِ اللَّمْسِ وَالشَّمِّ; وَلَمَّا بَلَغَتْ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمُرِهَا،

معلم هلن حروف الفبا وصحبت كردن از راه لمس كردن



البراه تونته  
توشه‌ای برای موفقیت



وبویائی توانست به او یاد دهد؛ و هنگامیکه به بیست سالگی

رسید،

أَصْبَحَتْ مَعْرُوفَةً فِي الْعَالَمِ، وَحَصَلَتْ عَلَى عَدَدٍ مِنَ

الشَّهَادَاتِ الْجَامِعِيَّةِ.

در جهان معروف شد و تعدادی مدارک دانشگاهی به دست

آورد.

وَأخيراً اسْتَطَاعَتْ أَنْ تُسَافِرَ إِلَى الْبُلْدَانِ الْمُخْتَلَفَةِ.

و سرانجام توانست به کشورهای گوناگون مسافرت کند.

وَأَلْفَتْ عِدَّةَ مُحَاضِرَاتٍ وَأَصْبَحَتْ أُعْجُوبَةً عَصْرِهَا.

أَلْفَتْ "هَيْلِينَ" ثَمَانِيَةَ عَشَرَ كِتَاباً تُرْجِمَتْ إِلَى خَمْسِينَ لُغَةً.

و چندین سخنرانی اجرا کرد و مورد شگفتی روزگارش شد.

هَلَن هَيْجده کتاب که به پنجاه زبان ترجمه شدند تألیف کرد.

مَهْتَابِ نَبَوِيٍّ بِنْتٌ وُلِدَتْ بِدُونِ يَدَيْنِ، وَرُغِمَ هَذَا فَهِيَ

مهتاب نبوی دختری بدون دست به دنیا آمد، و با وجود این

تَكُنُّبٌ وَتَرَسُّمٌ وَتَسْبِيحٌ، وَحَصَلَتْ عَلَى الْجِزَامِ الْأَسْوَدِ فِي

التكواندو وَالْفَتْ كِتَاباً.

می نویسد و نقاشی می کند و کمر بند مشکی

در تکواندو به دست آورد و کتابی را تألیف کرد.

كْرِيسْتِي بَرَاوِن وُلِدَتْ فِي أُسْرَةٍ فَقِيرَةٍ وَكَانَ مُصَاباً بِالشَّلَلِ

الدِّمَاغِيِّ، وَلَمْ يَكُنْ قَادِراً عَلَى السَّيْرِ وَالْكَلامِ. فَسَاعَدَتْهُ أُمُّهُ

کریستی براون در خانواده ی فقیری به دنیا آمد و دچار فلج

مغزی بود، و قادر به راه رفتن و صحبت کردن نبود. پس

مادرش کمکش کرد.

پدران توننه

توشه ای برای موفقیت

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَخَذَ كَرِيستِي قِطْعَةً طَبَّاشِيرَ بَقَدَمِهِ  
الْيُسْرَى وَهِيَ الْعَضْوُ الْوَحِيدُ الْمُنْتَحَرِّكَ مِنْ بَيْنِ أَطْرَافِهِ  
الْأَرْبَعَةِ وَرَسَمَ شَيْئاً.

در روزی از روزها کریستی با پای چپش تکه گچی را  
برداشت تنها اندام تحرک از بین دست و پایش بود و چیزی  
را نقاشی کرد.

وَمِنْ هُنَا ابْتَدَأَتْ حَيَاتُهُ الْجَدِيدَةَ. اجتهد کریستی کثیراً،

وَاصْبَحَ رَسَّاماً وَشَاعِراً وَالْفَتْ كِتَاباً بِاسْمِ

و از همینجا زندگی جدیدش آغاز شد. کریستی بسیار تلاش

کرد، و نقاش و شاعر شد و کتابی به نام

"قَدَمِي الْيُسْرَى"، فَأَصْبَحَ الْكِتَابُ فِي مَا بَعْدُ فِلْمًا حَصَلَ

عَلَى جَائِزَةِ أَوْسْكَارِ.


"پای چپم"، تألیف کرد پس کتاب بعداً فیلمی شد که جایزه

اوسکار گرفت (دریافت کرد).





ایران توننه


توشه ای برای موفقیت

ارسالی سرکارخانم رحیمی 

♦ اُجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ .

1  أَيْ مُشْكِلَةٌ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيمَةِ الْمُتَوَكِّلِ عَلَى اللَّهِ .  
♦ کدام مشکل قادر به شکست توکل کننده بر خدا هست ؟  
▲ لا مُشْكِلَةٌ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيمَةِ الْمُتَوَكِّلِ عَلَى اللَّهِ .  
👉 هیچ مشکلی قادر به شکست دادن توکل کننده بر خدا ، نیست

2  كَمْ كِتَابًا أَلَّفَتْ هَيْلِينَ كِيلِرْ ؟  
♦ هلن كلر چند کتاب تألیف کرد ؟  
▲ أَلَّفَتْ هَيْلِينَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ كِتَابًا .  
👉 هلن ۱۸ کتاب تألیف کرد .

3  مَا إِسْمُ كِتَابِ كَرِيَسْتِي بَرَاوْنِ ؟  
♦ اسم کتاب کریستی براون چیست ؟  
▲ قَدَمِي الْيُسْرَى  
👉 پای چپم

ایران تونش

توشه ای برای موفقیت

#الدرس\_السابع

#عربی\_انسانی\_یازدهم

#إختبر نفسك ۱

ارسالی خانم رحیمی

♦ عَيِّن اسْمَ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ وَ حَبِّرْهَا .

1 كانَ رَسولُ اللهِ أُسوَّةَ حَسَنَةً لِلْعَالَمِينَ  
♦ فرستاده خدا الگویی نیکو برای جهانیان بود (است) .

▲ كانَ : فعل ناقص

▲ رَسولُ : اسم فعل ناقص (كانَ)

▲ أُسوَّةُ : خبر فعل ناقص (كانَ)

2 صارَ كُلُّ مَكانٍ مَمْلوءًا بِالْأَزْهارِ الْجَمِيلَةِ .  
♦ هر مکانی (همه جا) پر از شکوفه های زیبا شد .

▲ صارَ : فعل ناقص

▲ كُلُّ : اسم فعل ناقص (صارَ)

▲ مَمْلوءًا : خبر فعل ناقص (صارَ)

3 أَصْبَحَ الشَّائِمُ نَادِمًا مِنْ عَمَلِهِ الْقَبِيحِ  
♦ دشنام دهنده از کار زشتش پشیمان گردید. (شد)

▲ أَصْبَحَ : فعل ناقص

▲ الشَّائِمُ : اسم فعل ناقص (أصْبَحَ)

▲ نَادِمًا : خبر فعل ناقص (أصْبَحَ)

4 لَيْسَ الْكَاذِبُ مُخْتَرَمًا عِنْدَ النَّاسِ .  
♦ شخص دروغگو نزد مردم محترم نیست

▲ لَيْسَ : فعل ناقص

▲ الْكَاذِبُ : اسم فعل ناقص (لَيْسَ)

▲ مُخْتَرَمًا : خبر فعل ناقص (لَيْسَ)

5 أَلَيْسَ الصَّبْرُ مِفْتَاحَ الْفَرَجِ ؟  
♦ آیا صبر کلید گشایش نیست ؟

▲ لَيْسَ : فعل ناقص

▲ الصَّبْرُ : اسم فعل ناقص (لَيْسَ)

▲ مِفْتَاحَ : خبر فعل ناقص (لَيْسَ)

ایران نوشته

موسسه ای برای موفقیت

ارسالی خانم رحیمی

♦ ترجم هذه الآيات .

- 1 و كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ .  
♦ اهل بيت خود را به نماز و زكات فرمان می داد .
- 2 وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا  
♦ به عهد(خود) وفا کنید که از عهد سؤال باشد (سؤال می شود)
- 3 ... يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ .  
♦ (چیزی) آنچه را که در دلهایشان نیست با زبانهای خویش می گویند . ( بر ... می رانند )
- 4 لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْمُتَلَلِّينَ .  
♦ قطعاً در(داستان) يوسف و برادرانش نشانه هایی برای پرسشگران بوده است .
- 5 وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ  
بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا  
♦ و نعمت خدا را برای خودتان یاد کنید آنگاه که دشمنان (یکدیگر) بودید پس او میان دلهایتان انس و الفت ایجاد کرد و به خاطر نعمت او برادر شدید .

ارسالی جناب آقای آئین پرست 🌱

◆ عین الجملة الصحيحة و غير الصحيحة حسب الحقيقة :

1 الطباشيرُ مادةٌ بيضاء أو ملونةٌ يُكتبُ بها على السبورة و مثلها :

ترجمه :

گچ ماده ای سفید یا رنگی است که با آن روی تخته سیاه و مانند آن نوشته می شود. ✓

2 الأُكْمُ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَكَلَّمَ وَ مُؤَنَّثُهُ " بَكْمَاءٌ " :

ترجمه :

لال کسی است که نمی تواند صحبت کند و مؤنث آن بکماء است. ✓

3 الأصَمُّ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرَى وَ مُؤَنَّثُهُ " صَقَاءٌ " :

ترجمه :

کر کسی است که نمی تواند ببیند و مؤنث آن صقء است. ✗

4 ارتفاعُ حرارةِ الجِسمِ مِنْ عَلائِمِ القَرَضِ :

ترجمه :


بالارفتن حرارت یا گرمای بدن از نشانه های بیماری است. ✓

5 شَمُّ القَطِّ أَقْوَى مِنْ شَمِّ الكَلْبِ :

ترجمه :

حس بویایی گربه قوی تر از حس بویایی سگ است. ✗

#الدرس\_السابع  
#عربی\_انسانی\_یازدهم  
#التمرین\_الثاني (قسمت اول)

ارسالی سرکار خانم رسولی 

♦ ترجم الجمل التالیة

۱- کُتِبَ أَكْثَبُ إِجَابَاتِي :

♦ ترجمه : جوابهایم را می نوشتم

۲- يُكْتَبُ مَثَلٌ عَلَى الْجِدَارِ :

♦ ترجمه : ضرب المثلی روی دیوار نوشته می شود

۳- مَنْ يَكْتُبُ يَنْجُحُ :

♦ هر کس بنویسد ، موفق می شود

۴- قَدْ كُتِبَ عَلَى اللُّوحِ :

♦ روی تخته نوشته شده است.

۵- لَا تَكْتُبْ عَلَى الشَّجَرِ :

♦ ترجمه : روی درخت ننویس.

۶- أَكْتُبُ بِحَطِّ وَاضِحٍ :

♦ ترجمه : با خطی واضح بنویس.

ایران توننه

بنویسید ای برای موفقیت

#الدرس\_السابع  
#عربی\_انسانی\_یازدهم  
#التمرین\_الثاني (قسمت دوم)

◆ ترجم الجمل التالية

ارسالی سرکارخانم رسولی

۷ - كانوا يَكْتُبُونَ رَسَائِلَ :  
◆ نامه هایی می نوشتند.

۸ - سَأَكْتُبُ لَكَ الإِجَابَةَ :  
◆ ترجمه : جواب را برایت خواهم نوشت

۹ - لَمْ يَكْتُبْ فِيهِ شَيْئاً :  
◆ ترجمه : در آن چیزی ننوشت (ننوشته است)

۱۰ - كُنْتُ كَاتِباً دَرَسَكَ :  
◆ ترجمه : نویسنده درستی بودی (درست را می نوشتی)

۱۱ - لَنْ أَكْتُبَ جُمْلَةً :  
◆ ترجمه : جمله ای نخواهم نوشت.

توشه ای برای موفقیت  
۱۲ - أَخَذْتُ كِتَاباً رَأَيْتُهُ :  
◆ ترجمه : کتابی را گرفتم که آن را دیده بودم (دیدم)



ارسالی جناب آقای آئین پرست

◆ ترجم الآیة و الأحادیث ، ثم عین المَطْلُوبَ مِنْكَ.

1 ولا تياسوا من روح الله إنه لا ييأس من روح الله إلا القوم الكافرون.  
(يوسف : ٨٧)

ترجمه : و از رحمت خدا نا امید نشوید ، زیرا فقط قوم کافر از رحمت خدا ناامید می شوند .

☆ الجارو المجرور :  
▲ من روح

2 ليس الحليم من عجز فهجم ، و إذا قدر انتقم ، إنما الحليم من إذا قدر عفا ،  
و كان الحلم غالباً على كل أمره . الإمام على (ع)

ترجمه : بردبار کسی نیست که ناتوان شود پس هجوم آورد و هرگاه توانمند شود انتقام بگیرد . تنها بردبار کسی است که هرگاه توانمند شود ببخشد(درگذرد) و بردباری بر هرکارش غالب باشد.

☆ اسم الفعل الناقص و خبره :

▲ الحليم : اسم ليس - من : خبر ليس .


▲ الحلم : اسم كان - غالباً : خبر كان .

3 من أراد أن يكون أقوى الناس ، فليتوكل على الله . الإمام الكاظم (ع)

ترجمه : هرکس بخواهد قوی ترین مردم باشد باید به خدا توکل کند .


☆ اسم التفضيل :  
▲ أقوى


#الدرس\_السابع  
#عربی\_یازدهم\_انسانی  
#التمرین\_الثالث (قسمت دوم)

ارسالی جناب آقای آئین پرست 

◆ ترجم الآیة و الأحادیث ، ثم عین المَطْلُوبَ مِنْكَ.


4 أعظمُ البلاءِ انقطاعُ الرَّجاءِ . الإمام علی (ع)

ترجمه : بزرگترین بلا قطع شدن امید و آرزوست . 

المبتدأ و الخبر :   
▲ أعظم : المبتدأ - انقطاع : الخبر

5 من توكلَ على الله ذلتَ له الصَّعَابُ . الإمام علی (ع)

ترجمه : هرکس به خدا توکل کند سختی ها برایش خوار (آسان) می شوند. 

نوع الفعل و صیغته :   
▲ توکلَ : فعل ماضی ، مفردمذكر غائب .  
▲ ذلتَ : فعل ماضی ، مفردمؤنث غائب .

ایران توننه

توشه ای برای موفقیت

تمرین چهارم درس هفتم ، عربی یازدهم انسانی

ارسالی - آقای سکاکی

التمرین الرابع: تَرجمَ الجُمَلَ التَّالِيَةَ .

1- أريدُ أن أكتبَ تَرْجَمَةَ النَّصِّ مُسْتَعِيناً بِالْمُعْجَمِ .

← می خواهم که با کمک لغت نامه ترجمه ی متن را بنویسم .

2- نَصَحَ الْأُسْتَاذُ طُلَّابَهُ لِيَكْتُبُوا بِحَظِّ وَاضِحٍ .

← استاد دانشجویمان را نصیحت کرد تا با خطی آشکار بنویسند .

3- لَنْ أَكْتُبَ شَيْئاً عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ .

← بر روی آثار تاریخی چیزی نخواهم نوشت .

4- سَأَكْتُبُ ذِكْرِيَّاتِ السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ .

← خاطرات گردش علمی را خواهم نوشت .

5- كَانَ زَمَلَانِي يَكْتُبُونَ رِسَائِلَ .

← همکلاسی هایم نامه هایی می نوشتند . رای موفقیت

ایران تونته

تمرین پنجم درس هفتم ، عربی یازدهم انسانی

ارسالی - آقای سکاکی

التَّمْرِينُ الخَامِسُ : عَيِّنِ اسْمَ الأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ وَخَبْرَهَا .

۱- أَلَا ، لَيْسَ الظُّلْمُ بِأَقْبَى . ترجمه ( آگاه باشید ، ظلم و ستم ماندگار نیست . )

← لَيْسَ : فعل ناقص      الظُّلْمُ : اسم فعل ناقص و مرفوع      بِأَقْبَى : خبر فعل ناقص و منصوب

۲- يُصْبِحُ الجَوُّ حَارّاً غداً . ترجمه ( فردا هوا گرم می شود . )

← يُصْبِحُ : فعل ناقص      الجَوُّ : اسم فعل ناقص و مرفوع      حَارّاً : خبر فعل ناقص و منصوب

۳- كَانِ الجُنُودُ واقفین للحراسة . ترجمه ( سربازان برای نگهداری ایستاده بودند . )

← كَانِ : فعل ناقص      الجُنُودُ : اسم فعل ناقص و مرفوع      واقفین : خبر فعل ناقص و منصوب

۴- صارَ الطَّالِبُ عالماً بعدَ تخرُّجه من الجامعة . ترجمه ( دانشجو بعد از دانش آموختگی اش از دانشگاه ، دانا گردید . )

← صارَ : فعل ناقص      الطَّالِبُ : اسم فعل ناقص و مرفوع      عالماً : خبر فعل ناقص و منصوب



ایران تونته

توشه ای برای موفقیت

ارسالی سرکار خانم قیصری

♦ عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةُ وَ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ :

1 قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ . (هود: ٤٧)

گفت پروردگارا ، من به تو ...

- الف) پناه بردم که از تو چیزی بپرسم که به آن علم ندارم .  
 ب) پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که به آن دانشی ندارم .

▲ الإِسْمُ النِّكَرَةُ : عِلْمٌ  
▲ الْفِعْلُ النَّاْقِصُ : لَيْسَ

2 وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا . (النساء: ٣٢)

- الف) و از خدا بخشش او را بخواهید ؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست .  
 ب) و از فضل خدا سؤال کردند ، قطعاً خدا به همه چیزها آگاه بود .

▲ الإِسْمُ النِّكَرَةُ : شَيْءٌ ، عَلِيمًا  
▲ الْفِعْلُ النَّاْقِصُ : كَانَ


3 يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرَابًا . (النبأ: ٤٠)

روزی که ...

- الف) آدمی آنچه را با دستانش پیش فرستاده است می نگرد و کافر می گوید : کاش من خاک بودم .  
 ب) مرد آنچه را با دستش تقدیم کرده است می نگرد و کافر می گوید : من همانند خاک شدم .

▲ الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ : يَنْظُرُ ، يَقُولُ  
▲ الْفِعْلُ النَّاْقِصُ : كُنْتُ

#الدرس\_السابع  
#عربی\_انسانی\_یازدهم  
#التمرین\_السادس (قسمت دوم)

ارسالی سرکار خانم قیصری 

◆ عَيْنُ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةُ وَ عَيْنُ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ :


4 كُنْتُ سَاكِتًا وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً ، لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ .

○ الف) ساکت شدم و کلمه ای نمی گویم : برای اینکه چیزی از موضوع نمی دانم .

○ ب) ساکت بودم و کلمه ای نگفتم ؛ زیرا چیزی درباره موضوع نمی دانستم . 

▲ المفعول : كَلِمَةً ، شَيْئًا  
▲ الجار و المجرور : عَنِ الْمَوْضُوعِ

5 كَانَ الشَّبَابُ يَلْعَبُونَ بِالْكُرَّةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ اللَّعِبِ صَارُوا تَشِيطِينَ .

○ الف) جوانان در کنار ساحل با توپ بازی می کردند و پس از بازی با نشاط شدند . 

○ ب) مردان در کنار ساحل توپ بازی کردند و بعد از بازی پر نشاط خوشحال هستند .

▲ المجرور بحرف الجر: الكُرَّةِ ، الشَّاطِئِ  
▲ المضاف إليه : اللَّعِبِ

ارسالی خانم رسولی و ویراستاری خانم رحیمی

◆ اکثب آیاتٍ أو أحاديثٍ أو أبياتاً أو أمثلاً أو حكماً حول أهمية الرجاء في الحياة :


1 آیه قرآن : « وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ »  
از رحمت خدا مایوس نباشید که همانا از رحمت خدا جز کافران مایوس نمی باشند.» (یوسف آیه ۸۷)

2 مثل : عسى البارقة لا تخلف.(يضرِب في عدم قطع الرجاء)  
◆ امید است که این ابرهای باران زانجا بیارد و خلف وعده نکند .(در ناامیدی بسی امید است)

3 حدیث : من رجا شيئاً طلبه و من خاف شيئاً هرب منه . علی(ع)  
◆ هر کس به چیزی امید داشته باشد آنرا می یابد و هر کس از چیزی بترسد از آن فرار می کند .

4 شعر از عبدالرحمن الخطیب الأندلسي : ما لي سوى قرعى لبابك حيلة ...  
فلئن زدت فأي باب أقرغ  
◆ من به جز زدن در خانه تو چاره ای ندارم پس اگر مرا رد کنی کدام در را بکوبم . ( تنها چاره و امید من خانه توست )

5 سخنی از ژوزف ادیسون : إذا أردت أن تنجح في حياتك فاجعل المذاكرة صديقك الحميم و التجربة مستشارك الحكيم و الحذر أخاك الأكبر و الرجاء عبقريتك الحارسة !  
◆ اگر می خواهی که در زندگی ات موفق شوی پس صبر و پایداری را دوست صمیمی خود قرار بده و تجربه را (به عنوان) مشاور دانائیت قرار بده و هوشیاری(دور اندیشی ؛ احتیاط) را به عنوان برادر بزرگتر خود قرار بده (انتخاب کن) و امیدواری را به عنوان عقل و نبوغ حافظ خود ، قرار بده(بر گزین).

ارسالی خانم رسولی 

◆ اکثَب آیاتٍ أو أحاديثٍ أو أبياتاً أو أمثلاً أو حكماً حول أهمية الرّجاء في الحياة :

- ۱- از این ستون تا آن ستون فرج است .  
➡ أمثال و حکم دهخدا
- ۲- بر در بسته ، چو بنشینی بسی / عاقبت بگشاید آن در را کسی  
➡ عطار نیشابور
- ۳- به هنگام سختی مشو ناامید / کز ابر سیه بارد آب سفید  
➡ نظامی گنجوی
- ۴- در نومیدی بسی امید است / پایان شب سیه سفید است  
➡ نظامی گنجوی
- ۵- کوی نومیدی مرو امیدهاست / سوی تاریکی مرو خورشیدهاست  
➡ مولانا جلال الدین بلخی
- ۶- گفت پیغمبر که چون کوبی دری / عاقبت زان در برون آید سری  
➡ مولانا جلال الدین بلخی
- ۷- چون نشینی بر سر کوی کسی / عاقبت بینی تو هم روی کسی  
➡ مولانا جلال الدین بلخی
- ۸- مشکلی نیست که آسان نشود / مرد باید که هراسان نشود  
➡ أمثال و حکم دهخدا
- ۹- مکتبی صبر کن به هر سوزی / از پی هر شبی بود روزی  
➡ مکتبی شیرازی
- ۱۰- از پی هرگریه آخر خنده ای است / مرد آخربین مبارک بنده ایست  
➡ مولانا جلال الدین بلخی
- ۱۱- بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر / بار دگر روزگار چون شکر آید  
➡ حافظ شیرازی
- ۱۲- پس تیرگی روشنی گیرد آب / برآید پس تیره شب آفتاب  
➡ اسدی توسی



# ایران توشه

- رانلور نمونه سوالات امتحانی

- رانلور گام به گام

- رانلور آزمون گاج و قلم چی و سنجش

- رانلور فیلم و مقاله انگلیزی

- رانلور و مشاوره



IranTooshe.Ir



@irantooshe



IranTooshe

